

# مبادی نظام تعلیمی و تحصیلی دولت خلافت



از اصدارات حزب التحریر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مبادی نظام تعلیمی و تحصیلی دولت خلافت

چاپ اول- عربی  
۱۴۲۵ھ.ق - ۲۰۰۴م

چاپ اول- دری  
۱۳۹۶ھ.ش - ۲۰۱۷م

نشرات امت  
کابل - افغانستان

[info@hizb-afghanistan.com](mailto:info@hizb-afghanistan.com)  
[www.hizb-afghanistan.com](http://www.hizb-afghanistan.com)

[www.hizb-ut-tahrir.info](http://www.hizb-ut-tahrir.info)  
[www.qeyaam.com](http://www.qeyaam.com)

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ ۱ ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ ۲ ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾  
﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ ۴ ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ ۵ ﴿ [سوره علق: ۱-۵]

بخوان به نام پروردگارت که همه جهان را آفرید، آن که آفریده است انسان را از خون بسته. بخوان که پروردگارت بزرگوارتر و بخشنده تر است. همان خدایی که به وسیله قلم انسان را تعلیم آموخت و به انسان چیزهایی را آموخت که نمی دانست.

## فهرست مطالب

مقدمه مترجم .....	۱
مقدمه نویسنده .....	۲
سیاست تعلیمی و تنظیم آن در دولت خلافت .....	۴
اهداف عمومی تعلیم در دولت خلافت .....	۶
۱-۱-۱ تربیت و پرورش شخصیت اسلامی: .....	۶
۱-۱-۲ آماده سازی فرزندان مسلمانان برای تحصیلات عالی... ..	۶
۱-۲-۱- طریقه تدریس .....	۶
۱-۳-۱- اسالیب و وسائل تدریس .....	۱۱
۱-۴-۱- تعلیم در مکتب .....	۱۴
۱-۴-۱- اهداف تعلیم در مکتب: برای تعلیم در مکاتب... ..	۱۴
۱-۴-۱- مراحل تعلیم در مکتب: .....	۱۴
۱-۴-۱- دوره‌های درسی در مکتب .....	۱۹
۱-۴-۱- مضامین درسی .....	۲۱
۱-۴-۱- انواع مضامین درسی: مضامین درسی بیشتر از دو نوع نیست: ...	۲۲

- ۱-۴-۵- فروع مضامین درسی در مراحل سه گانه مکتب. . . . . ۲۵
- ۱-۴-۱-۵- زبان عربی . . . . . ۲۵
- ۱-۴-۲-۵- ثقافت اسلامی . . . . . ۲۶
- ۱-۴-۳-۵- علوم، معارف و مهارت‌ها . . . . . ۲۹
- ۱-۴-۶- واحدهای درسی . . . . . ۳۰
- ۱-۴-۷- مکاتب دولتی و سیستم دوره‌های درسی . . . . . ۳۱
- ۱-۴-۸- مضامین درسی و مراحل آن . . . . . ۳۲
- ۱-۴-۱-۸- مرحله اول مکتب (ابتدائیه): . . . . . ۳۳
- ۱-۴-۲-۸- مرحله دوم مکتب (متوسطه): . . . . . ۳۳
- ۱-۴-۳-۸- مرحله سوم مکتب (ثانوی): . . . . . ۳۴
- ۱-۴-۹- کامیابی و ناکامی در مکتب‌های دولتی . . . . . ۳۶
- ۱-۴-۱-۹- کامیابی و ناکامی در مرحله اول (ابتدائیه): . . . . . ۳۶
- ۱-۴-۲-۹- کامیابی و ناکامی در مرحله دوم (متوسطه): . . . . . ۳۷
- ۱-۴-۳-۹- کامیابی و ناکامی در مرحله سوم (ثانوی): . . . . . ۳۸
- ۱-۴-۱۰- امتحان عمومی (کانکور) مراحل مکتب . . . . . ۳۸
- ۱-۴-۱۱- ساعت‌ها و مضامین درسی . . . . . ۳۹
- ۱-۴-۱۲- تقویم درسی . . . . . ۳۹
- ۱-۴-۱۳- انستیتوت‌های حرفه‌های ساده . . . . . ۴۰
- تحصیلات عالی . . . . . ۴۲
- ۲-۱- اهداف تحصیلات عالی . . . . . ۴۲
- ۲-۱-۱- متمرکز ساختن و عمیق سازی شخصیت اسلامی؛ . . . . . ۴۲
- ۲-۱-۲- ایجاد مجموعه‌های توانا در خدمت به مصالح حیاتی امت: . . . . . ۴۳
- ۲-۱-۳- آماده سازی مجموعه‌ها برای رعایت و تنظیم امور امت: . . . . . ۴۴

۴۴	۲-۲ انواع تحصیلات عالی
۴۴	۱-۲-۲ تعلیم تلقی:
۴۵	۲-۲-۲ تعلیم تحقیقی:
۴۵	۳-۲ موسسات تحصیلات عالی
۴۶	۱-۳-۲ انستیتوت‌های حرفوی:
۴۶	۲-۳-۲ انستیتوت‌های وظیفوی:
۴۷	۳-۳-۲ پوهنتون‌ها و دانشگاه‌ها:
۴۸	۴-۳-۲ دانشکده‌ها و پوهنچی‌های پوهنتون‌ها و دانشگاه‌ها:
۴۸	۴-۲ مراکز پژوهشی و تحقیقاتی
۴۹	۵-۲ مراکز و انستیتوت‌های تحقیقات نظامی
۴۹	۶-۲ اسناد و گواهینامه‌های تحصیلات عالی
۵۰	اصطلاحات اساسی این کتاب

## مقدمه مترجم

الله سبحانه و تعالی را سپاس گزاریم که فرصت این را برای مان نصیب فرمود تا یکی دیگر از کتابهای مهم و اساسی را خدمت امت مردم مسلمان این سرزمین پیکش نمایم. کتاب مبای‌ی نظام تعلیمی و تحصیلی دولت خلافت به مانند دیگر کتابهای حزب التحریر راه‌گشاهی بسیاری از مشکلات تعلیمی و تحصیلی مسلمانان سراسر جهان در شرایط امروزی است. از آنجای که اصل کتاب به زبان عربی نگاشته شده است، در ترجمه آن سعی و تلاش زیاد صورت گرفته است تا اصطلاحات معادل و یا مروج به زبان فارسی دری آورده شود؛ منجمله بکاری گیری اصطلاح مکتب به جای اصطلاح مدرسه، چون از مدرسه که در عربی جای درس معنی می‌دهد، در جامعه دید خاصی وجود دارد، مبنی بر این‌که در مدرسه تنها مضامین دینی تدریس شده و از مضامین و علوم جدید خبری نیست. چون از سالها قبل بدینسو، سیاست دولت‌های سکولار و دموکرات این بوده تا بین مکتبی‌ها و مدرسه‌ها فاصله ایجاد کند. بناءً در مباحث این کتاب، هیچ تفاوتی بین مکتب و مدرسه نیست؛ یعنی دو چیز متفاوتی که امروز وجود دارد، اصلاً وجود نمی‌داشته باشد. به همین دلیل از استفاده مدرسه پرهیز شده و مکتب بکار رفته تا به اذهان مردم این سرزمین مجاهد پرور، مأنوس و آشنا باشد.

مسئله دیگری که برای درک بهتر کتاب حاضر ضروری پنداشته می‌شود، تفکیک و شناخت دقیق از اصطلاح عقیده و ایمان است. عقیده؛ همان دید اساسی از انسان، زندگی و کائنات است که ماقبل و مابعد زندگی به آن ارتباط مستحکم داشته باشد و اما، ایمان از امن و امنیت گرفته شده است که به فاعلش احساس آرامش بخشیده و از تشویش‌های مانند: دفع حوادث و ازدیات رزق که مستقیم از لحاظ عقیده به ایمان مرتبط است، در امن می‌سازد. از آنجاییکه نمی‌توان همه اصطلاحات را در اینجا به بیان گرفت. بناءً بسیاری از اصطلاحات را در اخیر کتاب تحت عنوان اصطلاحات اساسی این کتاب، به بررسی گرفته‌ایم که با مراجعه به آن، می‌توان به فهم دقیق مباحث نائل آمد.



## مقدمه نویسنده

ثقافت هر امت، به مثابه ستون فقرات در بدن انسان بوده که موجودیت و بقایش را در میدان زندگی تضمین می‌کند. به همین دلیل اساس تمدن هر امت بر مبنای ثقافتش بنا گردیده که هدف و طریقه زندگی را برای آنان مشخص می‌سازد. ثقافت به مانند کوره ذوب آهن است که پیروان خود را چون فلز، در آن کوره ذوب کرده و آنها را از امت‌های دیگر متمایز می‌سازد. بناً ثقافت، عبارت است از: عقیده و آنچه از این عقیده مثل: احکام، راه حل مشکلات و نظام سرچشمه گرفته است، می‌باشد. فلهمذا سیرت و تاریخ هر امت، همان علوم و معارفی است که براساس عقیده شان بنا یافته و بیانگر سیر و تحول آن امت را بیان می‌کند. هرگاه ثقافت و فرهنگ یک امت از بین رفت، آن امت دیگر به حیث یک امت متمایز، باقی نخواهد ماند؛ هدف و روش زندگی، دوستی و دشمنی و ارتباط شان با سایر امت‌های دگرگون خواهد شد. در نتیجه بدون هدف، دنبال ثقافت ملت‌های دیگر رفته و کور کورانه به تقلید خواهند پرداخت. ثقافت اسلامی، معارفی است که موجب بحث و پژوهش در عقیده اسلامی می‌شود. برابر است که این معارف، متضمن عقیده اسلامی، چون علم توحید باشد یا بر اساس عقیده اسلامی، مثل: فقه، تفسیر و حدیث استوار باشد و یا هم آنچه که برای فهم استنباط احکام از عقیده اسلامی و معارف مرتبط به اجتهاد ضروری باشد؛ مانند: فهم زبان عربی، مصطلح الحدیث و علم اصول. پس بر همه آنها ثقافت اسلامی اطلاق می‌شود، چون سبب تحقیق در عقیده اسلامی می‌گردد.

هم‌چنان تاریخ امت اسلامی، بخش از ثقافت اسلامی محسوب می‌گردد؛ زیرا از مدنیت، شخصیت‌ها، رهبران و علمای امت اسلامی خبر داده است. از طرفی، هرچند فهم الفاظ و شواهد در شعر عرب قبل از اسلام، دلالت بر فهم زبان عربی جهت اجتهاد، تفسیر قرآن کریم و فهم حدیث دارد که به ثقافت اسلامی هم چندان بی ربط نیست؛ اما تاریخ عرب قبل از اسلام، بخشی از ثقافت اسلامی پنداشته نمی‌شود. چون ثقافت هر امت، سازنده و تربیت

کننده شخصیت‌ها و رهبران آن امت است.

پس ثقافت است که عقلیه و چگونگی قضاوت و طرز فکر یک فرد را در مورد اشیاء، اقوال و افعال دیگران تشکیل و تمایلات او را به یک مسیر خاص سوق می‌دهد. در نتیجه، این ثقافت است که منجر به تاثیر گزاری در طرز فکر و طرز اشباع غرایز شخص می‌گردد.

بناءً حراست از ثقافت امت اسلامی و ترویج آن در جامعه، یکی از مسئولیت‌های اساسی حاکم دولت اسلامی می‌باشد. چنانچه اتحاد جماهیر شوری سابق، ثقافت کمونیستی را در میان فرزندان‌ش پرورانی و تلاش نمود تا از نفوذ فکر سرمایه‌داری و اسلامی در قلمروش جلوگیری کند. به همین گونه امروز جهان غرب نیز، زندگی فرزندان‌ش را بر مبنای ثقافت سرمایه‌داری که بر اساس جدایی دین از زندگی استوار است، تریه نموده و بخاطر جلوگیری از نفوذ ثقافت اسلامی، مبارزاتی را به راه انداخته که هنوز هم به شدت ادامه دارد.

پس دولت اسلامی به ترویج ثقافت اسلامی در میان فرزندان‌ش حریص بوده و به هر آنچه غیر از عقیده اسلامی در داخل دولت فراخوانده و ترویج شود، منع می‌نماید و ثقافت اسلامی را به سایر کشورها از راه دعوت و جهاد حمل می‌کند. چنانچه همین گونه ادامه خواهد یافت تا این‌که الله سبحانه و تعالی زمین و داشته‌های آنرا به ارث برد و قیامت برپا شود.

یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های حفظ ثقافت امت اسلامی، حفظ آن در سینه فرزندان‌ش، کتب و ایجاد دولت اسلامی است که مطابق احکام و قوانین عقیده و ثقافت اسلامی حکم نماید. بناءً تعلیم، یگانه راه حفظ ثقافت امت اسلامی، در سینه فرزندان‌ش و در سطور کتب است. برابر است که این تعلیم، به صورت تعلیم منهجی و منظم باشد و یا غیر آن.

تعلیم منهجی عبارت از: تعلیم منظم و قانونمندی است که دولت آنرا ساخته و مسئولیت تنفیذش را نیز به دوش دارد. مانند: سن پذیرش در مکاتب، مضامین درسی و اسلوب تدریس. تعلیم غیر منهجی، این‌که مسلمانان بدون در نظر داشت منهج تعلیمی خاصی در خانه‌ها، مساجد، کورس‌ها تعلیم دیده و یا از رسانه‌ها، انتشارات و امثال آن می‌آموزند. در هر دو نوع تعلیم، دولت مسئولیت کنترل افکار و معارف آنرا به دوش دارد تا از عقیده اسلامی سرچشمه گرفته و بدان استوار باشد. درین کتاب، از مبادی تعلیمی و تحصیلی در دولت خلافت سخن خواهیم گفت.

## سیاست تعلیمی و تنظیم آن در دولت خلافت

نظام تعلیمی در دولت خلافت مجموعه‌ای از احکام شرعی و قوانین اداری متعلق به منهج تعلیمی بوده که از عقیده اسلامی سرچشمه گرفته و به دلایل شرعی استوار باشد؛ مانند: مضامین درسی و عدم اختلاط شاگردان ذکور و اناث. اما، گزینش قوانین اداری در تطبیق سیاست تعلیمی، از جمله اسالیب و وسائل مباح است که متولی امور را در اجرای نظام و تحقق هدفش یاری می‌رساند. این وسائل مربوط به امور دنیوی بوده که نظر به وقت و چگونگی اجرای احکام شرعی متعلق به تعلیم و حاجات اساسی امت، قابل پیشرفت و تغییر می‌باشد. به همین دلیل، اخذ این اسالیب و وسائل، از نتایج تجارب، آزمایشات و تحقیقات امت‌های دیگر جایز است.

نظام تعلیمی و تحصیلی، با احکام شرعی و قوانین اداری خویش، نیازمند یک سیستم اداری منظم برای تحقق هدف اساسی تعلیم در دولت خلافت است که هدف اساسی تعلیم در دولت خلافت، تربیت شخصیت‌های اسلامی است. زیرا این سیستم متولی نظارت، تنظیم و مراقبت از همه جوانب تعلیمی از ساخت منهج گرفته، تا انتخاب استادان ورزیده، پیشرفت و ارتقای سطح تحصیل متعلمان و ایجاد مکاتب، انستیتوت‌ها و دانشگاه‌ها و پوهنتون‌ها با وسائل تعلیمی؛ مثل: آزمایشگاه‌ها و غیره می‌باشد. برای فهم بیشتر موضوع در ذیل به ارایه برخی از ماده‌های «سیاست تعلیمی» از «مقدمه دستور» که قانون اساسی پیشنهادی برای دولت خلافت است می‌پردازیم:

ماده ۱۶۵- منهج تعلیمی باید مبتنی بر عقیده اسلامی باشد و مضامین درسی و طریقه‌های تدریس، به گونه‌ای باشند که از این اساس عدول ننمایند.

ماده ۱۶۶- هدف سیاست تعلیمی عبارت از تربیت افراد با عقلیت و نفسیت اسلامی می‌باشد. پس می‌بایست تمام مضامین درسی و مواد مورد نظر بر اساس همین سیاست استوار باشد.

ماده ۱۶۷- هدف از تعلیم، پرورش شخصیت‌های اسلامی و برخوردار ساختن مردم از علوم و معارفی است که متعلق به شئون زندگی باشد. پس روش‌ها و اسالیب تعلیم، باید به گونه‌ای باشند که این هدف را تحقق بخشد، در غیر آن ممنوع قرار داده می‌شود.

ماده ۱۶۹- لازم است تا در تعلیم میان علوم تجربی و ملحقات آن؛ مثل: ریاضیات و معارف فرهنگی، تفکیک صورت گیرد. پس علوم تجربی و ملحقات آن حسب ضرورت و بدون مقید بودن به مرحله خاص تعلیمی، تعلیم داده می‌شود. ولی معارف فرهنگی در مراحل ابتدایی مطابق سیاست مشخصی که در تناقض با افکار و احکام اسلامی قرار نگیرد، اخذ می‌گردد و در مرحله عالی به حیث دانش، به شرطی اخذ می‌شود که منجر به خروج از هدف اساسی سیاست تعلیمی نگردد.

ماده ۱۷۰- تعلیم ثقافت اسلامی، در تمامی مراحل تعلیمی واجب است، اما در مرحله عالی به شکل تخصصی؛ همچو سایر علوم: طب، انجینیری، علوم طبیعی و غیره در بخش‌های معارف اسلامی هم تخصص حاصل می‌شود.

ماده ۱۷۱- فنون و صنایع گاهی به علم ملحق می‌گردد؛ مثل: تجارت، کشتی‌رانی و زراعت که اخذ این بخش‌ها بدون قید و شرط مانع ندارد، اما گاهی نظر به تاثیر پذیری از دیدگاه خاصی، مانند: رسامی و مجسمه سازی که به فرهنگ تعلق می‌گیرد، در صورت تناقض با اسلام اخذ نمی‌شود.

ماده ۱۷۲- منهج تعلیمی یکی بوده که غیر از آن قابل پذیرش نیست. هم‌چنان مکاتب خصوصی تا وقتی که پایبند پالیسی تعلیمی دولت باشند و سیاست و هدف تعلیمی آنرا رعایت کنند: به شرط عدم اختلاط شاگردان و استادان ذکور و اناث و عدم اختصاص آن به گروه، دین، مذهب، نژاد و رنگ خاص ممانعتی نخواهد داشت.

ماده ۱۷۳- فراهم ساختن زمینه تعلیم برای هر مرد و زن آنچه در عرصه زندگی ضرورت یک انسان است، در مرحله ابتدایی و ثانوی بالای دولت به صورت مجانی فرض بوده و بر علاوه فراهم سازی مجال تحصیلات عالی تا بالاترین حد ممکن از وجایب دولت می‌باشد.

ماده ۱۷۴- دولت باید کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و سایر وسائل آگاهی را در غیر مکاتب و پوهنتون‌ها و دانشگاه‌ها نیز بخاطر دسترسی هرچه بیشتر کسانی که علاقه‌مند تحقیقات در



آن توسط متعلم است که در این طریقه، فکر یا عقل وسیله تعلیم و تعلّم می‌باشد. پس عقل خاصیتی است که الله سبحانه و تعالی آنرا در انسان به ودیعت گذاشت و او را به وسیله آن نسبت به سایر مخلوقات کرامت و فضیلت بخشیده و مسئول قرار داده است.

عناصر سازنده عقل چهار اند:

- دماغ سالم برای تفکیر،
- احساس سالم برای درک واقعیت،
- موجودیت واقعیت،
- معلومات سابقه در مورد واقعیت.

عقل، فکر و ادراک به یک معنی می‌باشد که عبارت است از: « انتقال واقعیت توسط حواس به دماغ که در موجودیت معلومات قبلی و استعداد ربط معلومات به واقعیت، واقعیت تفسیر شده و در مورد حکم صادر شود.» پس برای انتقال یک فکر به دیگران، باید تعلیم صورت گیرد. چنانچه معلم فکر را به متعلمان توسط یک یا بیشتر از یک وسیله تعبیر که در رأس آن زبان قرار دارد، انتقال می‌دهد. اگر فکر به متعلمان توسط یک واقعیت محسوس انتقال یابد که در گذشته آنرا احساس نموده باشند، نفس فکر نیز به آنها انتقال یافته و آنها به فکر دست یافته‌اند. ولی اگر توسط یک واقعیت غیر محسوس به آنها پیشکش گردد که امکان درک آن برای شان ناممکن باشد، علی‌الرغم پی‌بردن به معانی جملات و نکات شرح داده شده، باز هم انتقال فکر صورت نگیرد؛ بلکه متعلمان به یک قسمت از معلومات دست یافته‌اند که از آنها متعلمین ساخته است، نه مفکرین.

بناءً برای معلم ضروری پنداشته می‌شود که در جریان انتقال افکار به متعلمان، از معانی استفاده کند که درک ذهنی آنها به متعلمان ساده بوده و توانایی حس کردن آنرا داشته باشند، تا تنها معلومات نه، بلکه روند فکری را نیز بیاموزند. هم‌چنان برای معلم لازم است تا متعلم را وادار به درک واقعیت کند؛ چون اگر هنگام اعطای فکر امکان حضور واقعیت نمی‌رفت، باید معلم یک تصویر نزدیک به واقعیت را در ذهن متعلم، ترسیم نماید که معلومات را با واقعیت محسوس نزدیک ساخته و در نزد او ایجاد فکر نماید.

انتقال فکر توسط معلم به متعلمان از نواحی ذیل بررسی می‌گردد:

- اگر واقعیت برای متعلمان محسوس بود و آنرا قبلاً حس کرده بودند، هنگام انتقال فکر، آنرا درست درک خواهند نمود و زمینه تفکیر نزد شان ایجاد خواهد شد.
- اگر قبلاً واقعیت را حس نکرده باشند و هنگام انتقال فکر نیز آنرا حس نکنند و صرف در اذهان شان واقعیت را به‌گونه محسوس تصور کنند، باز هم فکر را به شکل درست آن درک نموده و دریافته‌اند.

در این دو حالت، فکر به صورت کامل توسط معلم به متعلمان انتقال داده می‌شود، ولی اگر واقعیت محسوس برای متعلمان وجود نداشت، فکر به شکل معلومات محض نزد آنها باقی خواهد ماند. واقعیت محسوس عبارت از آنست که انسان بتواند آنرا با یکی از حواس پنجگانه، حس کند. برابر است که این واقعیت مادی باشد یا معنوی. واقعیت مادی؛ مانند: حس کردن درخت با حس باصره، شنیدن آواز پرنده با حس سامعه، حس کردن نرمی لباس با حس لامسه، بوئیدن عطر گل با حس شامه و لذت بردن از طعم عسل با حس ذایقه. به همین ترتیب واقعیت معنوی؛ مثل: شجاعت، امانت، بزدلی و خیانت که انسان نظر به مظاهر مادی آنرا حس می‌کند. جنگ مسلمان و پایداری وی در مقابل دشمن، با وجود امکانات و کثرت گروه دشمن، شجاعت و فرارش از میدان جنگ، بزدلی و ترسویی می‌باشد. واقعیتی که محسوس و یا حس کردن آن ممکن مادی باشد و یا معنوی، عنصر اساسی در عملیه تفکیر می‌باشد و فکر بدون آن وجود نخواهد داشت.

از آنجای که انسان در دنیا قادر به درک مسائل غیبی؛ مثل: جنت، دوزخ، عرش ... توسط حواس خویش نمی‌باشد. پس مجال تفکیر هم در همچو مسائل از طریق حواس وجود نخواهد داشت، بلکه تنها از طریق اخبار درست و یقینی؛ مثل: قرآنکیریم و حدیث متواتر، می‌توان مجال تفکیر را بدست آورد. اما، موجودیت برخی از مسائل تخیلی مانند: موجودیت دیو، قرار داشتن زمین بالای شاخ گاو نر ... باعث تفکیر نزد انسان نمی‌شود. چون این همه، نه حس می‌شود و نه هم به اساس کدام اخبار قطعی و درست تأیید گردیده است. پس باید همه متعلمان از مشغول شدن درین گونه افکار که خرافه و توهمی بیش نیست، جداً دور نگه‌داشته شوند.

معلم یا وضع‌کننده منهج، باید عناصر چهارگانه فکر را در جریان اعطای فکر به متعلمان

و اخذ فکری موضوع توسط آنها، از طریق شنیدن و خواندن، مد نظر داشته و در هنگام خطاب به متعلم، به شکل شفاهی و نوشتاری، واقعیت را برای وی به گونه‌ای به تصویر بکشد که با وجود نداشتن حس قبلی و تصویر دقیق از واقعیت، احساس نماید که دارد واقعیت را به تمام معنا حس می‌کند. چون ارایه همچو معلومات از واقعیت، به دلیل نزدیکی تصویر آن به ذهن متعلم، پروسه تفکیر را نزد او به وجود می‌آورد.

وسیله اساسی خطاب فکری موضوعات توسط معلم به متعلمان و اخذ فکری آن توسط متعلمان (تعلیم و تعلم)، عبارت است از: زبان و آنچه از الفاظ و جملات و معانی و افکار مرتبط به آن می‌باشد. پس اگر معلم و متعلم این الفاظ و معانی را از ناحیه دلالت آن بالای افکار، درک نمایند، این وسیله در عملیه تعلیم و تعلم موثر واقع خواهد شد. به همین دلیل، برای معلمان و وضع کنندگان منهج تعلیمی، لازم است تا سهولت گفتاری را در جریان تعلیم برای متعلمان، در نظر داشته باشند. از الفاظ، جملات و تراکیبی استفاده کنند که برای متعلمان قابل فهم بوده و تبادل افکار بین هردو طرف به آسانی صورت گیرد. مراد از تبادل افکار، استوار بودن گفتار میان معلم و متعلم بالای عناصر چهار گانه فکر است.

فلهذا زبان چه نوشتاری باشد و یا گفتاری، در دماغ متعلم به فکر تبدیل می‌شود؛ همان گونه که این فکر نزد معلم وجود دارد، متعلم هم می‌تواند با استفاده از این طریقه، توانایی تعبیر را پیدا کرده و با مقیاس‌های که از حلال و حرام، صواب و خطا نزدش وجود دارد، عمل خود را استوار نماید. این بهترین طریقه در رسانیدن فکر پنداشته می‌شود، برابر است که افکاری با دید خاص انسان از زندگی باشد که به مبداء و ایدیولوژی ارتباط می‌گیرد یا افکاری که رابطه مستقیم به دید انسان از زندگی ندارد؛ مثل ریاضیات. پس اگر افکار از نوع اول باشد؛ یعنی افکاری که ارتباط انسان را با خالقش و دیگر انسانها تنظیم کند، ضروری است تا این فکر با ثقافت اسلامی ربط محکم داده شود. زیرا برعلاوه مخاطب قرار دادن فکر متعلم، شعور و احساس وی را نیز باید مورد خطاب قرار داد تا رابطه میان فکر و حیات متعلم در دنیا و آخرت واضح گردد و به صحیح بودن فکر قناعت نماید. پس در نتیجه منجر به مفهومی گردد که سلوک و رفتار وی را تنظیم، علاقه و محبت او را به سوی افکار عقیده اسلامی تحرک کرده و جهت دهد.



هم‌چنان برای تحقق عقیده اسلامی با قناعت و حماسه حرکت کرده، در وجود وی احساس کراهیت و امتناع از افکار غلط، مناقض و مخالف با دیدگاه اساسی اش از زندگی را پدید آورده و برای رد و نابودی آن به مبارزه برخاسته اقدام نماید. باید گفت که در پروسه تعلیم، تنها بیان معنی لغوی متن فکری متعلق به دیدگاه اساسی برای متعلمان کافی نیست، بلکه هدف اصلی ارتباط آن متن به فهم دقیقی است که در واقعیت موجود باشد، تا متعلم موقف درست شرعی خویش را در جهت انجام و ترک آن اختیار نماید. زیرا این گونه افکار به دلیلی تدریس می‌گردد که سلوک و رفتار متعلم با احکام اسلام استوار گردد. بناءً تعلیم در اسلام بخاطر لذت بردن فکری نیست، بلکه بخاطر ایجاد و تحکیم شخصیت اسلامی است، تا جهت حصول رضای الله سبحانه و تعالی در تمام بخش‌های زندگی با گفتار و کردار خویش سعی نماید.

اگر فکر از نوع دوم باشد؛ یعنی فکری که با دیدگاه اساسی انسان در زندگی ارتباط مستقیم ندارد؛ مثل: فزیک، کیمیا، ریاضیات ... به دلیلی تدریس می‌شود، تا متعلم جهت برخورد مناسب با کائنات و هستی که الله سبحانه و تعالی برای او مسخر ساخته آماده باشد. چنانچه او تعالی در مورد فرموده است:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ﴾ [سوره جاثیه: ۱۳]

و آنچه که در آسمان‌ها و در زمین است همه را مسخر شما ساخته است.

هم‌چنان در جای دیگری می‌فرماید:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ﴾ [سوره نحل: ۱۲]

الله شب و روز و خورشید و ماه را برای شما مسخر کرد و ستارگان به فرمان او مسخر هستند.

پس انسان مسلمان منحصیث یک شخصیت اسلامی، علوم تجربی را نیز بخاطر انتفاع و استفاده از آن در مصالح امت اسلامی و قضایای سرنوشت ساز امت اسلامی می‌آموزد. بناءً علم تنها بخاطر علم بودنش نه، بلکه بخاطر انتفاع به افکار و معارفی که حسب احکام اسلامی

آموخته می‌شود، طلب می‌گردد که در مورد الله متعال می‌فرماید:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ [سوره قصص: ۷۷]

به وسیله آنچه الله سبحانه و تعالی به تو داده است، سرای آخرت را بجوی و نصیب خود را از دنیا هم فراموش مکن.

### ۱-۳- اسالیب و وسائل تدریس

هر فکر دارای طریقه تنفیذ خاص است، ولی روش‌ها و اسالیب برای چگونگی اجرای آن متفاوت و عام می‌باشد. در موضوع تعلیم، مراد از اسلوب همه‌ای آن فعالیت‌های موجهی است که معلم برای مساعدت متعلمانش، جهت درک سریع و موفقانه افکار، مفاهیم و علوم بکار می‌گیرد. پس برای تحقق این هدف، روش‌های مختلف چون: گفتگو، مناقشه، قصه، حکایات، تماثیل، حل مشکلات، تجارب، تمرین عملی مستقیم و غیره وجود دارد. پس معلم یکی از اسالیب فوق را مطابق موقف تعلیمی و سطح علمی متعلمان خویش انتخاب می‌نماید. گاهی یک اسلوب نیازمند یک وسیله و گاهی هم به وسائل مختلف نیاز دارد تا آن اسلوب عملی گردد. بناءً وسائل و اسالیب غیر دایمی بوده که نظر به زمان، اشخاص و امکانات، متعدد و در حال تغییر می‌باشد. برای تنفیذ هر فکره، داشتن یک طریقه خاص ضروری است، ولی وسائل و اسالیب نقش مهمی در تنفیذ این طریقه دارد. پس اتمام موفقانه و سریع کار، به چگونگی ابداع و ایجاد وسائل و ابتکار اسالیب مناسب بستگی دارد؛ طور مثال: طریقه تعلیم، خطاب فکری موضوعات از سوی معلم و اخذ فکری و جذب آن از جانب متعلم می‌باشد. در گذشته تعلیم با استفاده از وسائل و روش‌های ساده‌ی، چون: قلم و کاغذ، به صورت شفاهی، تقلید و نوشته صورت می‌گرفت، اما امروز، با استفاده از وسائل و روش‌های نسبتاً متفاوت؛ مانند: تصاویر چاپ شده و متحرک، صوتی‌ها، تجارب در آزمایشگاه‌ها، لابراتوارها و امثال آن صورت می‌گیرد.

پس لازم است تا در مکاتب از اسالیب موثر و مناسب بخاطر تمرکز بر طریقه عقلی نزد متعلمان، استفاده صورت گیرد، چون اسالیب و روش‌ها، اساس در ایجاد فکر مستتیر و

نهضت و بیداری بر اساس اسلام می‌باشد که با استفاده از فکر مستنیر، گره، از مشکلات بزرگ انسان گشوده شده و در نزد وی یک فکر کلی و صحیح از هستی، انسان و حیات، ماقبل و مابعد حیات و رابطه میان این دو به وجود می‌آید. در نتیجه به ثقافت ناب اسلامی که اساس دولت، امت و نظام در اسلام را تشکیل می‌دهد دسترسی پیدا می‌کند.

در قرن ۱۹ میلادی، اروپا بعداً آمریکا و روسیه به ایجاد انقلاب صنعتی کم نظیری دست یافتند که همه در نتیجه بکارگیری اسلوب و روش‌های بود که موسوم به «طریقه علمی یا ساینسی» می‌باشد. از این تحقیقات فهمیده می‌شود که طریقه ساینسی روش درست و صحیح تنها در علوم تجربی است. اطلاق طریقه به این روش بی‌مناسبت نیست، زیرا طریقه ساینسی، منهج مشخص و دایمی برای تحقیقات است. مگر اشتباه پیروان آن از این رهگذر بود که طریقه متذکره را به جای طریقه عقلی، اساس تفکیر خود قرار دادند. فلذا این امر منجر به ایجاد حکمی می‌گردد که انسان را از رسیدن به بیشترین حقایق و معارف چون: وجود الله سبحانه و تعالی و نبوت رسول الله صلی الله علیه و سلم باز می‌دارد.

بناءً طریقه ساینسی یک طریقه درست برای شناخت حقیقت و خواص ماده از طریق تجارب است که تابع تجربه باشد. در حالی که طریقه عقلی با عناصر چهار گانه‌اش اساس تفکیر می‌باشد، زیرا این طریقه در تحقیق اشیایی محسوس، مثل: فزیک ... و در بحث افکار چون: عقاید، تشریح و تاریخ، به همین ترتیب در بحث کلام مثل: ادبیات ... اساس و زیر بنای تفکیر می‌باشد. به دلیلی که اگر نتیجه طریقه عقلی با نتیجه طریقه ساینسی در رابطه به موجودیت چیزی در تعارض واقع گردد، نتیجه طریقه عقلی مورد پذیرش خواهد بود، چون حکم طریقه عقلی در باره وجود شی قطع می‌باشد.

استفاده از طریقه ساینسی یا علمی، صرف در علوم تجربی مانند: کیمیا و فزیک جهت دریافت حقایق و خواص مواد موجود در جهان هستی صورت می‌گیرد که الله سبحانه و تعالی آنرا برای انسان مسخر ساخته است تا از این مواد و خواص آن، مطابق احکام اسلامی بهره گیرد. از جمله روش‌های دیگری که بعضی از فلاسفه، خصوصاً یونانی‌های قدیم، طریقه تفکیر می‌پنداشتند «بحث منطقی» می‌باشد. منطقی یک روش درست در پروسه تفکیر نبوده و حتی به مرتبه طریقه ساینسی هم نمی‌رسد، ولی یکی از روش‌ها و اسالیب طریقه عقلی به شمار

می‌رود که آن عبارت از: اساس یک فکر بالای فکر دیگری جهت دستیابی به نتیجه گفته شده است. اما این یک اسلوب پیچیده بوده و قابلیت اشتباه، فریب خوردن و گمراه کردن را دارد و گاهی هم به عکس حقیقت منتهی می‌گردد. پس بهتر است تا از این روش اجتناب صورت گیرد. پس هرگاه این روش مورد استفاده قرار گرفت، لازم است نتیجه بدست آمده تابع نتیجه طریقه عقلی قرار داده شود.

برای وضع کنندگان منهج مکاتب لازم است تا در زمان وضع منهج پیشنهاد وسائل و میتودهای تدریس آنرا با مراعات نکات ذیل در مضامین مد نظر داشته باشند:

۱. از این‌که وسائل و اسالیب دایمی نیستند، پس لازم است تا معلمان در ایجاد اسالیب و وسائل موثر در انتقال افکار تعیین شده برای متعلمان، ظرفیت و تفاوت‌های فردی آنها را مد نظر داشته باشند.

۲. حس شنوایی، بینایی، لمسی، بویایی و چشایی از جمله عناصر اساسی در پروسه تفکیر است که توسط آن واقعیت محسوس به دماغ انتقال می‌یابد. پس لازم است تا در صورت موجودیت واقعیت، معلم برای متعلمان استفاده اعظمی آنچه که ممکن باشد از این حواس را در زمان تعلیم مهیا سازد. ولی در صورت عدم موجودیت واقعیت با استفاده از اسالیب و وسائل موجود، واقعیت را در اذهان آنها به‌گونه‌ای به تصویر کشد که آنها واقعیت را احساس کنند؛ چون احساس واقعیت، عنصر عمده در عملیه تفکیر می‌باشد. هرگاه حواس پنج‌گانه انسان به صورت مشترک جهت احساس یک واقعیت متمرکز و همزمان این احساس نزد انسان عمیق گردد، حکم و قضاوت او نسبت به واقعیت و اوصافش دقیق‌تر خواهد بود.

۳. رعایت پیامد‌های مطلوب زبانی برای متعلمان، در زمان نوشتن منهج و مورد خطاب قرار دادن آنها.

۴. باید خاصیت ادراکی انسان، قبل از درک تفصیلی آن از ساختارهای کلی اشیاء رعایت گردد، خصوصاً متعلمان که عمر آنها میان ۶ الی ۱۰ سال باشد، نیازمند موارد ذیل اند:

- کلماتی که به معنی دلالت می‌کند، قبل از حروف برای متعلمان، تدریس شود. بعداً آنها درک خواهند نمود که کدام کلمه به کدام واقعیت دلالت دارد. این جاست که تعلیم با عملیه تحلیلی کلمه آغاز می‌گردد و این خود بیان حروف و مقاطعی است که از آنها کلمه ساخته

می‌شود و عملیه تحلیلی با عملیه ترکیبی؛ یعنی ترکیب کلمات جدید از حروف و ترکیب جملات جدید از کلماتی که متعلمان آنرا می‌دانند، یکجا می‌گردد. به همین اساس جمع میان دو طریقه تعلیم زبان: طریقه حرفی و طریقه جمله‌ای صورت می‌پذیرد.

• قبل از این‌که عناصر سازنده و خواص دقیق اشیاء برای متعلمان، تدریس گردد، اول باید صفات ظاهری اشیاء را بدانند.

• پیش از آن‌که تفصیلات زندگی و عملکرد شخصیت‌های اسلامی برای متعلمان توضیح داده شود، باید به‌گونه اجمال از زندگی آنها چیزی را بیاموزند.

• قبل از آن‌که جزئیات و فروعات نص بیان گردد، نخست معانی عام و افکار اساسی آن برای متعلمان، تفهیم گردد.

## ۱-۶- تعلیم در مکتب

### ۱-۶-۱ اهداف تعلیم در مکتب: برای تعلیم در مکاتب، سه هدف عمده ذیل قرار داده شده است:

۱. ایجاد ساختار شخصیت اسلامی از دید عقلیه و نفسیه؛ یعنی متعلم همزمان با پایان مرحله تعلیم در مکتب، منحصیث یک شخصیت اسلامی متبازز به جامعه تقدیم شود.

۲. آموختن مهارت‌ها و دانش‌های ضروری برای متعلم، جهت چگونگی برخورد وی با محیط، ابزار، اختراعات و زمینه‌های دیگری؛ چون: تعامل با دستگاه‌های الکترونیکی، وسائل زراعتی، تولیدی و غیره.

۳. تعلیم علوم اولیه و لوازم ثقافتی؛ مانند: زبان عربی، فقه، اصول فقه، تفسیر، حدیث و یا علوم ساینسی چون: ریاضیات، کیمیا، فزیک و غیره برای متعلم، جهت آماده سازی وی به مرحله تحصیلات عالی.

### ۱-۶-۲ مراحل تعلیم در مکتب:

هنگام تقسیمات مراحل تعلیمی در تمام حالات، واقعیت متعلم چه طفل باشد و یا بالغ، با رجعت به ادله شرعی در نظر گرفته می‌شود. چون احکام شرعی خاصی در رابطه با برخورد

طفل و بالغ با ولی الامر و بعداً با معلم و مربی وجود دارد که از جانب خالق مدبر و پروردگار عالمیان ارشاد شده است. از جمله الله سبحانه و تعالی در سوره نور فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ \* مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ﴾ [سوره نور: ۵۸]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید بردگان شما و هم‌چنین کودکان تان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، ولی مسائل جنسی و عورت و غیر آنرا تمیز و تشخیص می‌دهند، به هنگام ورود به اطاق‌های خواب مردان و همسران در سه وقت اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، در نیم روز هنگامی که لباس‌های معمولی خود را در می‌آورید و بعد از نماز عشاء.

به همین ترتیب در آیه بعدی می‌فرماید:

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾

[سوره نور: ۵۹]

هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند اجازه می‌گرفتند.

در مورد رسول الله صلی الله علیه و سلم نیز می‌فرماید:

«رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ الْمَجْنُونِ الْمَغْلُوبِ عَلَى عَقْلِهِ حَتَّى يُفِيقَ وَعَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ» (رواه أبو داود فی سننه)

قلم مکلفیت از سه کس برداشته شده است: از دیوانه که عقلش زائل باشد، تا به وقتی که به هوش آید، شخص خوابیده تا وقتی که از خواب بیدار می‌گردد و از طفل تا آنگاه که به سن بلوغ می‌رسد.

هم‌چنان در جای دیگری رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«يَا أَسْمَاءُ إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا بَلَغَتِ الْمَحِيضَ لَمْ تَصْلُحْ أَنْ يَرَى مِنْهَا إِلَّا هَذَا وَهَذَا وَأَشَارَ إِلَيَّ  
وَجْهَهُ وَكَفَّيْهِ» (رواه أبو داود في سننه)

ای اسماء! هنگامی که زن به سن بلوغ می‌رسد، درست نیست به جز این و این قسمت بدن وی  
دیده شود که به روی و دو کف دست خود اشاره نمود.

از عطیه قرظی روایت است که گفت:

«عُرِضْنَا عَلَى النَّبِيِّ يَوْمَ قَرِيظَةَ فَكَانَ مِنْ أَنْبَتِ قَتْلِ، وَ مِنْ لَمْ يَنْبِتْ خُلَى سَبِيلَهُ،  
فَكَنتَ مِمَّنْ لَمْ يَنْبِتْ فَخُلَى سَبِيلِي» (رواه الترمذی فی سننه)

ما روز غزوه بنی قریظه نزد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده شدیم تا بالای ما حکم  
شرعی را جاری سازد. پس کسی که بدنش موی می‌داشت حکم بر بالغیت او بود و کشته  
می‌شد و کسی که بدنش موی نمی‌داشت، رها می‌گردید. من از کسانی بودم که بدنم موی  
نداشت، پس رها گردیدم.

هم‌چنان روایت شده است که هنگامی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سعد را در رابطه  
به مردان بنی قریظه حکم قرار داد. در حالت شک ما تحت ازار بند شان دیده می‌شد تا از بلوغ  
و عدم بلوغیت شان مطمئن گردند.

به همین ترتیب از حضرت عثمان رضی الله عنه روایت است وقتی نوجوانی را که سرقت  
نموده بود، نزد وی آوردند، فرمود:

«انظروا إلى مؤتزره، فوجدوه لم يَنْبِتْ فَلَمْ يَقْطَعْ، وَ لَمْ يَنْكُرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنَ الصَّحَابَةِ»

به زیر ازار بند وی نظر افکنید: آیا بالغ است یا نه، پس دیدند که موی نداشت، دستش قطع  
نگردید و هیچ صحابی این عمل وی را انکار نکرد.

هم‌چنان او صَلَّى الله علیه وسلّم می‌فرماید:

«مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ» (رواه الامام احمد في مسنده)

هنگامی فرزندان تان به سن ۷ سالگی می‌رسند به نماز امر شان نمایند. وقتی به سن ۱۰ سالگی رسند، آنها را بخاطر ترک نماز بزنید و بسترخواب آنها را از هم جدا سازید.

این دلایل، روشن می‌سازد که مرحله طفلی بعد از رسیدن به سن بلوغ پایان می‌پذیرد و تکلیف شرعی به دوش وی گذاشته شده و حدود بالایش تطبیق می‌گردد. اسلام هم نشانه‌های محسوسی را بخاطر تفکیک سن طفولیت از مرحله بلوغ در نزد ذکور و اناث تعیین نموده است. نشانه‌های بلوغ در طبقه ذکور، عبارت از رویدن موی زیرناف یا احتلام و از اناث جاری شدن حیض و یا هم برداشتن حمل می‌باشد. هم‌چنان این دلایل بیانگر آنست که قبل از رسیدن به سن بلوغ، مکلف به احکام شرعی نیستند.  
رسول الله صَلَّى الله علیه وسلّم می‌فرماید:

«مُرُوا أَبْنَاءَكُمْ بِالصَّلَاةِ لِسَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا لِعَشْرِينَ سِنِينَ»

(رواه الإمام أحمد في مسنده)

فرزندان تان را در سن ۷ سالگی به ادای نماز امر کنید و در سن ۱۰ سالگی آنها را در صورت ترک نماز بزنید.

این حدیث بیانگر آنست که تأدیب اطفال در مرحله طفولیت، به دو گونه می‌باشد: مرحله اول- قبل از رسیدن به سن ۱۰ سالگی است که درین مرحله تأدیب طفل توأم با تنبیه جسمی جواز ندارد، چرا که حدیث، تنها امر نمودن به نماز را می‌رساند و بس. پس بهتر است بخاطر تأدیب اطفال، درین مرحله از ضرب و تنبیه جسمی خود داری گردیده و از شیوه تشویق و ترغیب استفاده به عمل آید.

مرحله دوم- بعد از ۱۰ سالگی الی سن بلوغ است که در صورت ضرورت تنبیه جسمی



جواز دارد؛ مگر حدود و جزای شرعی بنا به این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم، الی سن بلوغ جواز ندارد:

«رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ الْمَجْنُونِ الْمَغْلُوبِ عَلَى عَقْلِهِ حَتَّى يُفِيقَ وَعَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ» (رواه أبو داود فی سننه)

قلم مکلفیت از سه کس برداشته شده است: از دیوانه که عقلش زائل باشد، تا به وقتی که به هوش آید و شخص خوابیده تا وقتی که از خواب بیدار می‌گردد و از طفل تا آنگاه که به سن بلوغ می‌رسد.

این جا منظور از «رُفِعَ الْقَلَمُ»، رفع تکلیف شرعی می‌باشد. ولی بعد از رسیدن به سن بلوغ، تکلیف شرعی به دوش شان گذاشته می‌شود، و در صورت ارتکاب تخلف و یا عمل حرام، مطابق به فیصله شرعی جزا داده می‌شوند و این امر باعث آن می‌گردد، تا در مکاتب متعلمان بالغ و دوره‌های تحصیلات عالی، قاضیان وجود داشته باشند.

هنگام تقسیمات مراحل تعلیمی، باید این احکام در رابطه به طفل و بالغ رعایت گردد، چرا که تربیه و تأدیب از مستلزمات تعلیم می‌باشد. مرحله نخست از داخل شدن طفل به مکتب الی سن ۱۰ سالگی و مرحله دوم در کشورهای که دارای آب و هوای معتدل اند، از سن ۱۰ سالگی الی سن ۱۵ سالگی و مرحله سوم از ۱۵ سالگی الی ختم دوره مکتب می‌باشد.

بناءً نظر به این دلایل و احکام شرعی، مراحل تعلیمی مکتب، در دولت خلافت اسلامی بر اساس عمر متعلمان تقسیم می‌گردد، نه بر اساس مضامینی که مکتب پیشکش می‌نماید.

### تقسیم مراحل مکتب نظر به سن:

مرحله سنی	مکتب
از سن ۶ سالگی الی ختم سن ۱۰ سالگی (از ۷ الی ۱۰)	مرحله نخست ( دوره ابتدایی)
از سن ۱۰ سالگی الی ختم سن ۱۴ سالگی (از ۱۱ الی ۱۵)	مرحله دوم ( دوره متوسطه)
از ختم سن ۱۵ سالگی الی ختم مرحله مکتب (۱۵ الی ۱۸)	مرحله سوم ( دوره ثانوی)

پس اگر یک متعلم صرف نظر از درجه تعلیمی، سن ۱۰ سالگی را تکمیل نمود، به مرحله دوم مکتب و در صورت رسیدن به سن بلوغیت، بدون در نظر داشت سپری نمودن این سویه درسی، به یکی از مکاتب مرحله سوم، منتقل می‌گردد. نظام دوره‌های تعلیمی و کاری که در ادارات تعلیمی و مکاتب دولتی تنظیم گردیده است را ضمن تقسیم متعلمان، مطابق به مرحله سنی آنها بیان خواهیم نمود. اما در تعلیم قبل از سن ۶ سالگی (دوره کودکستان)، مردم مختار اند، اگر خواستند می‌توانند مکتب خاصی را بدین غرض ایجاد نمایند و دولت از روند تعلیمی و چگونگی مضامین درسی، مطابق به پالیسی تبنی شده از طرف خلیفه، نظارت خواهد نمود.

### ۱-۴-۳ دوره‌های درسی در مکتب

مراحل سه گانه تعلیمی مکتب، از ۳۶ دوره پی هم تشکیل گردیده که مدت هر دوره ۸۳ روز می‌باشد. برای هر دوره مجموعه‌ای از واحدهای درسی در نظر گرفته شده است. متعلم مراحل مکتب را از دروس دروه نخست آن آغاز و در صورت تکمیل موفقانه یک دوره، به دوره بعدی، ارتقا می‌کند، تا این‌که تمام مراحل مکتب را که شامل ۳۶ دوره است با کامیابی تکمیل نماید. هر سال هجری به ۴ دوره درسی تقسیم گردیده که میان هر دوره، ۳ روز رخصتی برای متعلم در نظر گرفته شده است.

در جدول زیر تاریخ آغاز و ختم هر دوره درسی با رخصتی آن توضیح داده شده است:

### جدول دوره‌های درسی و رخصتی‌های آن

دوره‌های درسی	تاریخ آغاز دوره‌های درسی	تاریخ ختم دوره‌های درسی
دوره اول	اول محرم	۲۵ ربیع الاول
رخصتی	۲۵، ۲۶ و ۲۷ ربیع الاول	
دوره دوم	۲۸ ربیع الاول	۲۲ جمادی الثانی
رخصتی	۲۲، ۲۳ و ۲۴ جمادی الثانی	
دوره سوم	۲۵ جمادی الثانی	۲۰ رمضان المبارک
رخصتی	۲۰، ۲۱ و ۲۲ رمضان المبارک	
دوره چهارم	۲۳ رمضان المبارک	۲۷ ذی الحجّه
رخصتی	۳ روز عید فطر، از ۱-۳ شوال و عید سعید اضحیٰ از ۸-۱۵ ذی الحجّه	

هر طفل بعد از تکمیل ۶ سال هجری، شامل مکتب می‌گردد و مکاتب دولتی هم در آغاز هر دوره، از دروه‌های چهار گانه؛ یعنی تقریباً هر ۳ ماه بعد، متعلم جدید می‌پذیرد. این امر برای طفل امکان آنرا می‌دهد تا در یکی از مراحل نخست مکتب که نزدیک به ختم سن ۶ سالگی او بر اساس تقویم هجری قمری است شامل مکتب گردد.

هر متعلم می‌تواند حد اقل بعد از سه سه دوره‌ی پی هم، یک دوره رخصتی استراحت بگیرد و یا بدون رخصتی به دروس خویش ادامه دهد. چون این نظام برای متعلم پر تلاش، این

زمینه را فراهم می‌سازد که تمام مراحل درسی مکتب را در مدت کمتر از زمان تعیین شده به پایان برساند. چنانکه این مسئله مرتبط به پیگیری دروس و کامیابی متعلم در دوره‌های درسی مکتب و عدم اخذ اجازه استراحت فصلی و یا استفاده کمتر از این رخصتی می‌گردد. باید متذکر شد که هر دوره درسی در مکتب ۸۳ روزه می‌باشد، نه یک سال. بدین ملحوظ، هر مرحله دارای منهج خاص و متعلمان خاص می‌باشد.

هرگاه متعلم دروس دوره‌های مکتب را با کامیابی و بدون اخذ رخصتی ادامه دهد، ممکن است دوره‌های ۳۶ گانه را در مدت ۹ سال تکمیل نماید؛ یعنی مکتب را در سن ۱۵ سالگی تمام می‌کند. اگر متعلم بعد از هر سه دوره درسی مکتب یک دوره را رخصت گرفت و تمام دروس دوره‌های ۳۶ گانه را با کامیابی تکمیل نمود. پس وی مراحل سه گانه مکتب را در ۱۲ سال به پایان رسانیده که در نتیجه دوره‌های درسی مکتب را در سن ۱۸ سالگی تمام می‌کند. گاهی هم بعضی از متعلمان بعد از رسیدن به عمر ۱۸ سالگی به یک و یا دو سال دیگر نیاز دارند، تا مراحل سه گانه مکتب را تکمیل نمایند. اگر عمر آنها به ۲۰ سالگی رسید و امتحان عمومی مراحل سه گانه مکتب را موفقانه سپری نکردند، از دروس منهجی معاف گردیده و به آنها اجازه شمولیت در انستیتوت‌های حرفوی و یا آمادگی مجدد برای امتحان عمومی جهت شمولیت به دانشگاه‌ها و پوهنتون‌ها داده می‌شود، تا بعد از کامیابی به دروس تحصیلات عالی پردازند. این سیستم تعلیمی در مکاتب، بر علاوه رعایت تفاوت استعدادهای متعلمان، به اهمیت وقت و تحصیل علم برای آنها ارزش قائل است.

برای تنفیذ سیستم مراحل مکتب در قریه‌های کوچک، مجتمع معلمین محلی ایجاد گردیده و وسایط نقلیه برای متعلمان، جهت رفت و آمد به خانه‌های شان نیز فراهم می‌گردد.

### ۱-۴-۲ مضامین درسی

تهدایی که مواد درسی بر اساس آن بنا می‌شود، ثقافت اسلامی است که اساس زندگی یک مسلمان و دولت اسلامی را تشکیل می‌دهد. پس هر موردی که درین دولت، از اصول تا فروع و دیگر متعلقات آن وجود داشته باشد، روی همین اصل استوار می‌باشد. بناءً در دولت خلافت، عقیده اسلامی اساس هر معرفتی است که متعلمان آنرا فرا می‌گیرند، برابر است که

این معرفت، از عقیده اسلامی سرچشمه گرفته باشد؛ مانند: عقیده و احکام شرعی و یا از جمله معرفت و علمی باشد که بر مبنای عقیده اسلامی استوار گردد، مانند: تاریخ و علوم ساینسی. مراد از استوار داشتن تاریخ و علوم ساینسی بر مبنای عقیده اسلامی این است که باید مقیاس درین علوم، عقیده اسلامی باشد. پس اگر این علوم با عقیده اسلامی در تناقض بود، مسلمانان اجازه اخذ و اعتقاد داشتن به آنرا ندارند و اگر در تناقض نبود اخذ آن جایز است. فلذا عقیده اسلامی یگانه اساس اعتقاد و عمل و مقیاس برای اخذ و ترک عمل می باشد. از طرفی شناخت عقاید و معارف دیگران که با عقیده اسلامی در تناقض قرار دارد به هدف جهت گیری شرعی در مقابل آن جواز داشته و کدام مانع وجود نخواهد داشت؛ اما فراگیری این افکار به منظور اخذ و تبنی احکام آن ناجائز و حرام می باشد.

### ۱-۶-۱ انواع مضامین درسی: مضامین درسی بیشتر از دو نوع نیست:

- معارف علمی؛ برای رشد فکری موثر بوده که نظر به اقوال، افعال و شناخت اشیاء از حیث واقعیت، خواص و موافقت آن با فطرت انسان است که در مورد آن حکم کرده می تواند؛ مانند: کیمیا، فزیک، نجوم، ریاضیات و غیره علوم تجربی که با ساختار شخصیت انسان رابطه مستقیم ندارد.
- معارف شرعی؛ متشکل از اقوال، افعال و اشیاء بخاطر بیان حکم شرعی و مکلفیت در قبال آنها می باشد که برابر است این حکم واجب، مندوب، مباح، مکروه و یا حرام باشد. هم چنان بیان حکم شرعی وضعیتی است که سبب، شرط، مانع، رخصت، عزیمت، صحت، بطلان و یا فساد آنرا در بر می گیرد که این همه سازندهی عقلیت اسلامی می باشد. پس اگر این احکام شرعی به هدف اتخاذ موقف شرعی مسلمان در مورد اشیاء، افعال و اقوال، با میل و عدم میل، اخذ و ترک آن هنگام اجرای عمل جهت اشباع غرایز و حاجات عضوی وی باشد، نفسیه اسلامی است. چون از عقلیه و نفسیه اسلامی، شخصیت اسلامی بوجود می آید که عقیده اسلامی را مبنای تفکیر، امیال و خواهشات خویش قرار می دهد. همان گونه که اسلام از مسلمانان می خواهد تا در باره پیدایش هستی، انسان و حیات بیاندیشند، مانند این قول او تعالی:

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [سوره آل عمران: ۱۹۱]

و در آفرینش آسمانها و زمین فکر می کنند.

هم چنان این فرموده او تعالی:

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ [سوره غاشیه: ۱۷]

آیا مردم به شتر نمی نگرند که چگونه خلق شده است؟

چنانچه او تعالی در جای دیگری فرموده است:

﴿كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [سوره بقره: ۷۳]

این گونه الله سبحانه و تعالی مردگان را زنده خواهد کرد و قدرت کامله خویش را به شما آشکار خواهد ساخت تا تعقل کنید.

هم چنان از مسلمانان خواسته شده تا در قضاوتها، افعال و خواسته های شان ملتزم به

احکام شرعی باشند؛ مانند این قول او تعالی:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ

حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [سوره نساء: ۶۵]

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خویش، تو را حکم قرار ندهند و پس از حکمیت و داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

و فرموده:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [سوره حشر: ۷]

و آنچه را رسول الله صلی الله علیه وسلم برای تان دستور دهد، بگیرید و از آنچه شما را نهی کند واگذارید.

و او تعالی فرموده:

﴿لَا تَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ وَ اِخْوَانَكُمْ اَوْلِيَاءَ اِنْ اَسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلٰى الْاِيْمَانِ﴾ [سوره توبه: ۲۳]

هرگاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولی خود قرار ندهید!

و فرموده:

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَاَسَيَّرَ اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُوْلَهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَ سَتَرْدُوْنَ اِلٰى عِلْمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ﴾ [سوره توبه: ۱۰۵]

بگو: «عمل کنید! الله آنرا می بیند، رسول الله صلی الله علیه وسلم و مؤمنان بر آن آگاه می شوند! و بزودی بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می شوید و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!»

همان گونه که از مکاتب خواسته شده تا اولین بانی برای ساختار شخصیت های اسلامی متمایز در علم اصول فقه، زبان عربی و تفسیر باشند. هم چنان اولین سازنده ی شخصیت های اسلامی متمایز در معارف علمی؛ مانند: علم هسته ای، فضا و کمپیوتر نیز باشند. پس امت اسلامی همان گونه که بهترین رهبران را در عرصه سیاست و دولت داری و جهاد، مانند: ابوبکر، عمر، خالد و صلاح الدین بوجود آورده؛ برترین علما را در فقه و دانش، مانند: شافعی و بخاری و خواریزمی و ابن هیثم نیز در خود داشته است که در تاریخ بشریت کم نظیراند.

پس هدف از تعلیم این علوم در مراحل سه گانه مکتب، همانا ساختن شخصیت اسلامی متعلم و آماده سازی وی برای وارد شدن در میدان زندگی عملی می باشد. به همین ترتیب، آماده سازی وی برای ادامه تحصیلات عالی به منظور ایجاد شخصیت های متمایز، جهت بلند بردن درجه علمی و فکری امت اسلامی می باشد، تا این امت شایسته گی رهبری جهان را

داشته و همه مردم را از تاریکی‌های کفر به روشنایی اسلام و از جور و استبداد قوانین ساخت بشری به عدل احکام شرعی رهنمون گردد. هم‌چنان جهت تسخیر و دستیابی بدان چیزی که در آسمانها و زمین است برای منفعت و آرامش انسان، در پرتو رضایت الله سبحانه و تعالی و این فرموده او تلاش ورزد:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ \* وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ [سوره قصص: ۷۷]

به وسیله آنچه که الله سبحانه و تعالی به تو داده است، سرای آخرت را بجوی و بهره‌ی خویش را از دنیا فراموش مکن.

## ۱-۴-۵ فروع مضامین درسی در مراحل سه گانه مکتب

- ۱- زبان عربی: خواندن، نوشتن، نحو، صرف، بلاغت، متون ادبی و لغتنامه‌ها و غیره.
- ۲- ثقافت اسلامی: قرآنکریم، عقیده، فقه، سنت نبوی، تفسیر، سیرت، فقه سیرت، تاریخ اسلامی و افکار دعوت و غیره.
- ۳- علوم ساینسی، معارف و مهارت‌ها: ریاضیات، فزیک، کیمیا، کمپیوتر، زراعت، تولید، تجارت، تمرینات نظامی و غیره.

## ۱-۴-۵-۱ زبان عربی

تعلیم زبان عربی برای همه مسلمانان از دید شریعت اسلامی، الزامی می‌باشد؛ چون عربی، زبان اسلام و قرآن بوده که جزء اساسی در اعجاز قرآنکریم می‌باشد. قرآنکریم بدون زبان عربی قرآن گفته نمی‌شود، تلاوت لفظ عربی آن عبادت محسوب می‌شود و اجتهاد بدون فهم زبان عربی ناممکن است، چون متون شرعی از جانب الله سبحانه و تعالی به لفظ عربی آمده است. بناءً لازم است تا زبان عربی تنها زبان دولت خلافت و زبان تعلیم در دولت خلافت باشد. پس لزوم تعلیم آن از قاعده «ما لا یتم الواجب إلا به فهو واجب»؛ امری که بدون آن واجبی ادا نگردد، آن امر واجب است، فهمیده می‌شود. پس رعایت استحکام زبان عربی در سایر مواد درسی مکتب و تحصیلات عالی لازم می‌باشد؛ زیرا زبان عربی ظرف افکار و



معارف است، خواه افکار و معارف ساینسی باشد و یا فرهنگی.

می‌بایست جهت تقویت زبان عربی، از اسالیب و وسائل مناسب در تعلیم و تدریس آن استفاده کرد، تا زبان گفتگو و ظرف فکر در میان تمامی رعیت دولت اسلامی گردد. هدف از تعلیم زبان عربی، ایجاد توانایی نزد متعلم در فهم و تعبیر نوشتاری، گفتاری و سخنوری و ایجاد ذوق ادبی نزد وی می‌باشد. زیرا این ذوق ادبی، به همان گونه که در فهم متون شرعی و ادبی متعلم را کمک می‌کند، علاقه‌مندی وی را در علوم زبان عربی نیز افزایش داده و در فهم قرآن‌کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم توانمندش می‌سازد. اما، تعلیم دیگر زبانها فرض کفایی بوده که دولت بخاطر تحقق این امر، به ایجاد انستیتوت‌های تعلیم زبانهای غیر عربی که دولت در حمل دعوت و رعایت امور امت به آن نیاز دارد، مانند ترجمه و غیر از آن، دست می‌یازد.

### ۱-۴-۲- ثقافت اسلامی

• عقیده اسلامی: در تدریس عقیده اسلامی، بالای افکار اساسی عقیده که تمام افکار اسلامی چه متعلق به عقیده باشد و یا به احکام، تمرکز صورت می‌گیرد. عقیده اسلامی عبارت از است: ایمان به الله و فرشتگان، کتابها، رسولان، روز آخرت، قضا و قدر و خیر و شر از جانب الله سبحانه و تعالی می‌باشد. منهج درسی در تدریس افکار عقیده، به تدریج نظر به سن متعلمان ترتیب می‌گردد. در مراحل اولی دیدگاه متعلمان را پیرامون مخلوقات الله سبحانه و تعالی جلب می‌نماید تا آنها را وادار به تفکیر در مخلوقات ماحول شان ساخته، در نتیجه منجز به شناخت وجود خالق مدبر گردد. هم‌چنان آنها را وادار به تفکیر در نعمت‌هایی می‌سازد که الله سبحانه و تعالی به آنها اعطا نموده و چیزهایی را که مسخر انسان کرده است، تا شکر الله سبحانه و تعالی را در مقابل این نعمات با عبادت و طاعتش بجا آورند و این‌که در مراحل بعدی با ارایه دلایل و براهین قاطع عقلی و نقلی متعلق به افکار عقیده؛ مانند: دلایل عقلی به وجود الله سبحانه و تعالی و نبوت محمد -صلی الله علیه وسلم- و بودن قرآن‌کریم از جانب الله سبحانه و تعالی و مانند: دلایل نقلی به وجود فرشتگان و روز قیامت بپردازد. بعد از آن ترکیز بالای فکر متعلق به عقیده قضاء و قدر و تاثیر ایمان بدان در اعمال مسلمان، مانند

استفاده از اسباب صورت می‌گیرد. سپس، افکار اعتقادی دیگری؛ مانند: توکل به الله سبحانه و تعالی و این که اجل و رزق فقط از جانب الله سبحانه و تعالی است، مورد بحث قرار می‌گیرد.

## • قرآنکریم و علوم آن:

• حفظ و تلاوت قرآنکریم: برای مسئولین مکاتب لازم است تا قبل از سن بلوغیت را غنیمت شمرده و زمینه تحفظ قرآنکریم را تا حد توان برای متعلمان مساعد سازد. حفظ قرآنکریم از مرحله آسان همراه با مشخص ساختن متعلمان متمایز در توانایی حفظ، جهت توجه به بخش حفظ قرآنکریم در مکتب، آغاز می‌گردد. هم‌چنان لازم است تا مکتب به تمرین متعلمان در راستای تلاوت بهتر قرآنکریم و تجوید، توجه نماید.

• تفسیر: تدریس فهم قرآنکریم به متعلمان به شکل تدریجی آغاز می‌گردد؛ در مرحله اول به فهم معنی عام، شرح معانی و مفردات مشکل و ربط احکام لازم برای متعلمان؛ مانند: آیات وضو و نماز اکتفا می‌شود. بعداً به مراحل بعدی تفسیر و آنچه از عقاید و احکام شرعی عملی را در بر می‌گیرد با اسباب نزول و نسخ آن انتقال می‌یابد.

• سنت نبوی: سنت نبوی برای متعلمان از آغاز شمولیت به مکتب، به شکل حفظ و فهم، تدریس می‌گردد و در آغاز احادیثی که حفظ و فهم آن برای طفل آسان باشد، در نظر گرفته می‌شود، مانند: این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم: بني الإسلام علی خمس؛ اسلام روی پنج اصل استوار است. و المسلم أخو المسلم؛ مسلمان برادر مسلمان است. بعد از آن متعلم به تدریج به حفظ احادیث، فهم و مناسبت آن پردازد، به گونه که احادیث متعلق به احکام شرعی خاص، نظر به سن متعلم انتخاب می‌شود، و در سن هفت سالگی حفظ می‌گردد، مانند: این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم: مروا صبیانکم بالصلاة لسبع سنین؛ اطفال تا آنرا در سن هفت سالگی به نماز امر کنید. هم‌چنان در زمان بلوغیت که هنگام قدرت و توانایی است؛ احادیثی همچون: رفع القلم عن ثلاثة: عن الصّبي حتى يبلغ؛ از سه کس مکلفیت برداشته شده است: از طفل تا وقتی که بالغ می‌گردد. این فرموده‌ای رسول الله صلی الله علیه وسلم: یا أسماء، إن المرأة إذا بلغت المحيض ... ؛ ای اسماء! هنگامی که زن به بلوغیت رسید... تدریس گردیده و حفظ شود. هنگام تدریس سنت نبوی برای متعلم در

مراحل بعدی مکتب، واقعیت‌ها همراه با احکام شرعی استنباط شده از آنها ارتباط داده شود.

• **فقه:** فقه از خلال نصوص قرآن‌کریم، سنت نبوی صلی الله علیه وسلم و دیگر نصوص شرعی تدریس می‌گردد. از این نصوص برای متعلم نسبت به سن و سالش تدریس می‌شود. چون فقه همان آگاهی به احکام شرعی عملی استنباط شده از دلایل تفصیلی است. پس به اطفال از احکام نماز، روزه، آداب برخورد با پدر و مادر و مردم تدریس می‌شود. بعداً بدون پیشکش احکام لازمی برای سنین بلوغیت، مانند احکام غسل و جنابت و احکام حیض و نفاس آغاز می‌گردد، چون احکام متعلق به سن بلوغیت، در آستانه فرا رسیدن مرحله بلوغیت تدریس می‌گردد. هم‌چنان بالای احکام متعلق به اخلاق، مانند صدق، امانت و جرئت در گفتار حق تمرکز صورت می‌گیرد. سپس دروس فقه، به‌گونه عام انتقال می‌یابد، مانند: جهاد و احکام آن، امارت و احکام آن همراه با تعلیم بعضی از قواعد فقهی؛ مانند قاعده: لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ؛ ضرر رسانیدن و تحمل ضرر در اسلام جواز ندارد. مانند قاعد دیگر: تُدْرَأُ الْحَدُودُ بِالشَّبَهَاتِ؛ حدود بنا به شبهات مرفوع می‌گردد. مَا لَا يَتِمُّ الْوَجِبُ إِلَّا بِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ؛ امری که بدون آن واجبی اداء نکرده، آن امر واجب است.

• **سیرت نبوی:** تدریس سیرت نبوی هم‌زمان با شمولیت طفل در مکتب آغاز می‌شود و به تدریج تعلیم آن وسعت می‌یابد. بناءً در مرحله اول مکتب، برای متعلم، زندگی رسول الله صلی الله علیه وسلم، به صورت مختصر از تولد الی وفات تدریس می‌گردد و نظر به سن متعلم، درس با وسعت بیشتری تکرار می‌گردد. به‌گونه که تدریس سیرت نبوی با بیان باریکی‌های لحظات زندگی رسول الله صلی الله علیه وسلم، فقه و احکام استنباط شده از آن همراه با متعلمان مرحله سوم درسی، به اتمام رسیده و به آنچه که این احکام از حمل دعوت و اقامه دولت و نشر اسلام دلالت دارد، ترکیز صورت می‌گیرد.

• **تاریخ مسلمانان:** تعلیم تاریخ مسلمانان برای متعلم، مثل تدریس در سیرت و فقه متناسب با سن وی پیگیری می‌شود. هم‌زمان با تعلیم تاریخ، تلاش می‌شود موقف‌گیری‌های دلیرانه شخصیت‌های اسلامی؛ چون: صحابه، تابعین، علماء و حکام مسلمان به آنها تدریس شود، منجمله: موقف‌گیری ابوبکر رضی الله عنه در دفاع از رسول صلی الله علیه وسلم و در جنگ با مرتدین. موقف‌گیری عمر رضی الله عنه در هجرتش به طرف مدینه و موقف‌گیری

عثمان رضی الله عنه در سخاوتش. هم‌چنان موقف‌گیری علی رضی الله عنه در شجاعتش و موقف بلال رضی الله عنه در صبر و شکیبایی اش. به همین ترتیب، عمر بن عبد‌العزیز رحمت الله علیه در عدلش، موقف معتصم بالله رحمت الله علیه، در مردانگی اش، صلاح الدین رحمت الله علیه در جنگ‌هایش، جدیت سلطان عبد‌الحمید دوم رحمت الله علیه در حفاظت از فلسطین. کارنامه قاضی شریح رحمت الله علیه در عدلش، شافعی رحمت الله علیه در فقه اش، احمد بن حنبل رحمت الله علیه در جسارتش، خالد بن ولید رضی الله عنه در طاعتش و مواردی ازین قبیل. البته تمرکز بالای این همه، در جهت تقویت مفاهیم اسلامی از زندگی صورت می‌گیرد. اما، تاریخ دیگر امت‌ها و اقوام، بخاطر پند و عبرت، در مرحله سوم مکتب تدریس می‌گردد. چنانچه در بعضی پوهنخ‌ها و دانشکده‌های دوره تحصیلات عالی بخاطر فهم افکار اقوام و قبایل امت‌های دیگر، تعلیم داده می‌شود، تا در برخورد و حمل دعوت اسلامی به آنها موقف مناسبی اختیار شود.

### ۱-۶-۵-۳ علوم، معارف و مهارت‌ها

منظور ازین عنوان، همان معارفی است که با دیدگاه زندگی رابطه مستقیمی ندارد و از عقیده اسلامی نیز سرچشمه نگرفته، بلکه مبتنی بر عقیده اسلامی می‌باشد؛ مانند: مهارت‌ها و دانش‌های لازم که برای آماده‌سازی متعلم به وارد شدن در میدان زندگی عملی بکار می‌رود. درین بخش، نخست به تعلیم چیزهایی پرداخته می‌شود که برای متعلم ضروری پنداشته شود، چون دانش مربوط به تعامل با محیط که در آن زندگی می‌کند، مانند حساب و شناخت عام از ابزار و وسائلی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، همانند وسایل برقی و الکترونیکی، و سائل خانه. هم‌چنان روش‌های سیر و حرکت در راه‌ها و جاده‌ها و قوانین مربوط به آن تدریس می‌شود. در تعلیم این موارد، مکانی که متعلمان در آن زندگی می‌کنند، رعایت می‌شود. چه مناطق تولیدی و صنعتی باشد و یا زراعتی و تجارتي، و یا جاهای کوهی و هموار و یا گرم و سرد باشد. پس نهایت این تعلیم الی سن ۱۰ سالگی می‌باشد که متعلمان در برخورد با اشیا بی‌ماحول خود و بهره‌گیری و استفاده از آنها بنا به سن و ضرورت شان، تسلط خواهند یافت. اما بعد از سن ۱۰ سالگی، تعلیم ریاضیات با فروع آن به‌گونه تدریجی و علوم دیگر،

چون: فزیک، کیمیا، بیولوژی، ورزش‌های مفید؛ مانند: آب بازی، خیزش و هدف زنی، آغاز می‌گردد و بعد از سن بلوغیت، تمرینات نظامی تحت نظر ارتش، بدین مهارت‌ها علاوه می‌گردد.

## ۱-۶-۴ واحدهای درسی

مضامین درسی در مکتب به واحد‌های درسی تقسیم گردیده و هر کدام شامل یک جزء محدود از این مضامین می‌شود که تدریس آن منحصراً یک مجموعه درسی، حد نهایی یک دوره؛ یعنی ۸۳ روز که را در بر می‌گیرد. آگاهان و دانشمندان هر بخش، بر وضع مضامین درسی و تدریس آن در هر دوره و مرحله‌ای از مراحل مکتب اشراف دارند. همان گونه که در تقسیم مضامین به واحد‌های متناسب با توانایی‌های متعلمان و سن آنها، اشراف می‌نمایند.

ترتیب واحدهای مضامین، به گونه‌ای است که تدریس تمام مضامین مورد نظر را در مراحل سه‌گانه مکتب در بر می‌گیرد، برابر است که این ترتیب، از سهل و ساده به پیچیده‌تر، مانند: ریاضیات و علوم تجربی باشد و یا از عمومیات به خصوصیات و فروع، مانند: مضمون سیرت النبی صلی الله علیه وسلم و تاریخ اسلام باشد. در مضامین علمی، چون: ریاضیات، ممکن است این واحدها از شناخت عدد و عملیه‌های آسان حساب، مانند: جمع و تفریق آغاز و سپس به ضرب و تقسیم، کسرها و عملیه‌های آن و بعداً به الجبر و معادلات بالا برود. به همین ترتیب، در مراحل پیش‌رفته، مبادی تفاضل و تکامل، مبادی ریاضیات عالی و هم‌چنان تمام منهج مقرر درسی ریاضیات در مکتب را در بر می‌گیرد.

این روش ایجاب می‌کند که وضع کنندگان منهج تعلیمی، توافق مضمون معین را با سن متعلم رعایت کنند تا آن مضمون در تمام مراحل تعلیم؛ یعنی حد اکثر به ۳۶ حصه تقسیم شود که هر حصه آن در برگیرنده دوره مشخص مکتب باشد. گاهی هم تعداد بخش‌های درسی برخی از مضامین، کمتر از ۳۶ واحد می‌باشد، مانند: مضمون فزیک و امثال آن. به گونه مثال: مضمون کیمیا در فرع علمی شاخه ساینس ۱۲ واحد درسی را در بر می‌گیرد که متعلم واحد اولی آنرا در دوره ۲۵ که فرا می‌گیرد و به تدریج تا دوره ۳۶ در فرع علمی مرحله مکتب آنرا به اتمام می‌رساند. مضمون علوم عام در برگیرنده ۱۲ واحد است که در دوره ۱۳ آغاز و در

دوره ۲۴ تمام می‌شود. کتابهای درسی تمام مشخصات تعداد واحدها و دوره‌های تدریس را در خود دارند؛ مثلاً: کتاب ریاضیات در دوره ۲۵ چنین تنظیم می‌شود: واحد ریاضیات ۲۵/۲۵، واحد قواعد ۲۵/۱۳، واحد علوم عام ۲۵/۱۲، واحد بلاغت ۲۵/۶ همین گونه دیگر واحدها.

### ۱-۴-۷ مکاتب دولتی و سیستم دوره‌های درسی

برای این که پابندی به احکام شرعی متعلق به تعلیم و تأدیب متعلمان و برخورد با آنها نظر به سن شان آسان شود، تقسیم مکاتب در دولت بر اساس عمر متعلمان صورت می‌گیرد، نه بر اساس دوره‌های درسی. بناءً تقسیم مکاتب بنا به مراحل سنی، قسمی که در جدول پائین وضاحت دارد به سه نوع می‌باشد:

مکتب	مرحله سنی	دوره‌های درسی
مرحله اول (ابتدائیه)	از ختم سن ۶ سالگی الی ختم سن ۱۰ سالگی (از ۷ الی ۱۰)	۱-۱۶
مرحله دوم (متوسطه)	از ختم سن ۱۰ سالگی الی ختم سن ۱۴ سالگی (از ۱۱ الی ۱۴)	۱۳-۳۲
مرحله سوم (ثانوی)	از ختم سن ۱۴ سالگی الی ختم مرحله مکتب (از ۱۵ الی ۱۸)	۲۵-۳۶

مکتب به دوره‌های درسی محدود اختصاص نیافته، بلکه ادامه می‌یابد تا همراه با مراحل سپری شده متعلم بتواند به مراحل بعدی اشتراک نماید که این ضمانتی است جهت توزیع متعلمان به مکاتب سه گانه حسب مراحل سنی شان.

مرحله نخست مکتب، خاص برای اطفال زیر سن ۱۰ سال می‌باشد. تعداد دوره‌های مکتب که متعلم حین رسیدن به سن ۱۰ سالگی آنرا تکمیل می‌کند، ۱۲ دوره درسی می‌باشد

(۴ سال × ۳ دوره در یک سال = ۱۲ دوره)؛ مگر این که متعلم پر تلاش درین مرحله ۱۶ دوره درسی را تکمیل کند (۴ سال × ۴ دوره در سال = ۱۶ دوره). بناءً مکاتب مرحله اول و دوم، متداخل یکدیگر در تدریس دوره‌های ۱۶-۱۳ برای متعلمانی است که سن شان بین ۹ تا ۱۲ سال می‌باشد. پس دوره ۱۵ در مرحله اول برای متعلم پرتلاشی که هیچ دوره‌ی را از دست نداده است، در حالی تدریس می‌گردد که عمر وی ۹ سال است؛ یعنی عمر مرحله اول را در بر گرفته است.

هم‌چنان دوره ۱۵ در مکاتب مرحله دوم برای متعلمی که عمر وی  $(6 + 3/15 = 11)$  سال باشد، یعنی عمر مرحله دوم را در بر گرفته است. همانند این، تداخل میان مکاتب مرحله دوم و سوم می‌باشد که این دو متداخل در تدریس دوره‌های ۲۵-۳۲ برای متعلمانی که سن شان بین ۱۳ تا ۱۷ سال است، لازمی می‌باشد. مثلاً: دوره ۲۸ در مرحله دوم برای متعلم زحمتکش که در هیچ دوره‌ی استراحت نمی‌کند و عمر وی  $(4 + 28/6 = 13)$  سال است، یعنی عمر مرحله دوم را در بر گرفته است. به همین ترتیب دوره ۲۸ در مکاتب مرحله سوم برای متعلمی که استراحت می‌کند و عمرش  $(6 + 3/28 = 15 \frac{1}{3})$  سال است، یعنی عمر مرحله سوم را در بر گرفته است.

### ۱-۴-۸ مضامین درسی و مراحل آن

چنانچه گذشت، تعلیم مکتب به ۳۶ دوره تقسیم گردیده که این دوره‌ها بنا به عمر متعلمان و تعیین احکام شرعی متعلق بدان، به سه مرحله اساسی تقسیم می‌شود. برای هر مرحله از این مراحل، مضامین درسی خاص و قوانین خاصی از ناکامی و ارتقا از یک دوره به دوره دیگر وجود دارد. مضامین درسی درین مراحل به دو دسته تقسیم می‌گردد: یکی مضامین اساسی، دوم مضامین مرتبط به مهارتها و توانایی‌های فکری متعلمان.

**۱-۸-۶-۱ مرحله اول مکتب (ابتدائیه):**

دوره‌ها	مضامین اساسی	مهارت‌ها و توانایی‌های فکری (لیاقت)
۱-۱۲	ثقافت اسلامی، زبان عربی، علوم، ریاضیات	کمپیوتر، مهارت‌های ذهنی، سپورت، رسم، خط

در مرحله نخست مکتب، دو معلم درس را آغاز می‌نمایند، اولی معلم ثقافت اسلامی و زبان عربی و دومی علوم و ریاضیات را تدریس می‌کند. این دو معلم، مضامین، مهارت‌ها و سرگرمی‌ها را میان هم تقسیم می‌نمایند. باید متذکر شد که بهتر است تا یک معلم همراه با این متعلمان حد اقل سه دوره درسی پی هم باقی بماند. تدریس مضمون مهارت‌ها برای طفل نشاط و تازگی می‌بخشد و توانایی ربط اشیاء و تفکیر پیرامون آنها را رشد می‌دهد، مانند: شناخت ترکیب و تفکیک اشیاء از هم، یکجا ساختن و جدا کردن آنها ضروری پنداشته می‌شود. باید متذکر شد که این سرگرمی‌ها و مهارت‌ها، در جریان تدریس با مضامین اساسی تعیین شده درین دوره ارتباط مستقیم پیدا کند.

**۱-۸-۶-۲ مرحله دوم مکتب (متوسطه):**

دوره‌ها	مضامین اساسی	مهارت‌ها و نشاطات
۱۳-۲۴	ثقافت اسلامی، تاریخ اسلام، زبان عربی، ریاضیات، کمپیوتر و علوم عام	رسم، زراعت، تولید، ورزش و خط

مضمون علوم عام درین مرحله، در برگیرنده مبادی کیمیا، بیولوژی، فزیک و جغرافیه

می‌باشد.



### ۱-۸-۳ مرحله سوم مکتب (ثانوی):

این مرحله شامل دوره‌های ۲۵ الی ۳۶ می‌شود که تمام متعلمان درین مرحله، در مضامینی که در دوره‌های ۲۵ تا ۳۰ تدریس می‌گردد اشتراک دارند و بس. بعد از آن متعلمان در دوره‌های ۳۱ الی ۳۶ نظر به علاقه شان به بخش‌های دیگر شامل می‌شوند که این بخش‌ها قرار ذیل است:

- بخش ثقافت،
- بخش علوم،
- بخش تولید یا حرفه (کمپیوتر، میکانیک، برق، مخابرات، فلزکاری یا اکسجین، تراشکاری و ...).
- بخش زراعت،
- بخش تجارت،
- بخش تدبیر منزل (برای اناث).

### جدول مضامین و مهارت‌های قابل تدریس در ۳۶ دوره تعلیمی

شماره	دوره‌ها	مضامین اساسی	مهارت‌ها و فعالیت‌ها
۱	۲۵-۳۰ تمام متعلمان	ثقافت اسلامی، زبان عربی، ریاضیات، کمپیوتر، کیمیا، بیولوژی، فزیک و جغرافیه.	خط، مهارت‌های نظامی و آنچه کارشناسان این امور نظر به موقعیت جغرافیایی منطقه مقرر می‌دارند.
۲	۳۱-۳۶ ثقافت و فرهنگی	ثقافت اسلامی، زبان عربی، کمپیوتر، ریاضیات عمومی و علوم عام.	تفکیر با انواع آن، خط، مهارت‌های نظامی و آنچه کارشناسان این امور نظر به موقعیت جغرافیایی منطقه مقرر می‌دارند.

<p>تفکیر با انواع آن، خط، مهارت‌های نظامی و آنچه کارشناسان این امور نظر به موقعیت جغرافیایی منطقه مقرر می‌دارند. بحث علمی، آزمایش‌گاه و لابراتوارهای مناسب برای هر مضمون.</p>	<p>ثقافت اسلامی، زبان عربی، ریاضیات، کمپیوتر، کیمیا، بیولوژی، فزیک و جغرافیه.</p>	<p>۳۱-۳۶ علمی و ساینسی</p>	<p>۳</p>
<p>تفکیر با انواع آن، خط، مهارت‌های نظامی و آنچه کارشناسان این امور نظر به موقعیت جغرافیایی منطقه مقرر می‌دارند.</p>	<p>ثقافت اسلامی، زبان عربی، کمپیوتر، ریاضیات عمومی جهت تولید، علوم عام جهت تولید و آنچه اهل خبره در بخش تولید، مقرر می‌دارند.</p>	<p>۳۱-۳۶ صنعتی و تولیدی</p>	<p>۴</p>
<p>تفکیر با انواع آن، خط، مهارت‌های نظامی و آنچه کارشناسان این امور نظر به موقعیت جغرافیایی منطقه مقرر می‌دارند. ایجاد باغ‌ها جهت آزمایشات زراعتی.</p>	<p>ثقافت اسلامی، زبان عربی، کمپیوتر، ریاضیات عمومی جهت کشت، علوم عام جهت کشت و آنچه اهل خبره در قسمت کشت و زراعت مناسب می‌دانند.</p>	<p>۳۱-۳۶ زراعتی</p>	<p>۵</p>
<p>تفکیر با انواع آن، خط، مهارت‌های نظامی و آنچه کارشناسان این امور نظر به موقعیت جغرافیایی منطقه مقرر می‌دارند.</p>	<p>ثقافت اسلامی، زبان عربی، کمپیوتر، ریاضیات عمومی جهت تجارت، علوم عام جهت تجارت، و آنچه را که اهل خبره در بخش تجارت مناسب می‌دانند.</p>	<p>۳۱-۳۶ تجارت</p>	<p>۶</p>
<p>تفکیر با انواع آن، خط، خیاطی، اصلاح موی، آشپزی، ترتیب منزل و آنچه را کارشناسان در راستای رعایت خانه و طفل لازم می‌دانند.</p>	<p>ثقافت اسلامی (خاص)، زبان عربی، کمپیوتر، ریاضیات عمومی، علوم عام، صحت خانوادگی، رعایت و سرپرستی طفل، زندگی اجتماعی و آنچه را اهل خبره مقرر می‌دارند.</p>	<p>۳۱-۳۶ تدبیر منزل برای انان</p>	<p>۷</p>

در بخش ثقافت در مرحله سوم مکتب، برای متعلم مضامین بیشتری در ثقافت اسلامی و زبان عربی داده می‌شود. اهل خبره (کارشناسان) مضامین فقه، اصول، تفسیر، علوم جدید، تاریخ و غیره از فروع ثقافت اسلامی را درین بخش مقرر می‌دارند. قسمی که منهج خاصی را چون بلاغت، نصوص و غیره در بخش‌های زبان عربی که لازمه این مرحله است، تعیین می‌نمایند. در بخش غیر علمی، برای متعلم، دو مضمون ریاضیات و علوم به شکل مقطعی داده می‌شود و روی موضوعاتی که فقط لازمه بخش وی است، تمرکز صورت می‌گیرد. لذا برای متعلم بخش تجارت از ریاضی موضوعات متعلق به تجارت، مانند محاسبه زکات و میراث و محاسبه فایده و نقص، محاسبه دفترها و صندوق‌های پولی و مباحث مربوط به آمار گیری و شمارش نیز تدریس می‌شود. ولی برای متعلم بخش صنعت، موضوعات چون رسم اشکال هندسی و محاسبه مساحت‌ها و حجم‌ها که خاصه تولیدات می‌باشد، داده می‌شود. در مضمون علوم عام، برای متعلمان بخش‌های غیر ساینسی موضوعات که بیشتر روی بدن انسان، امراض و سلامت عامه مرتبط است و موضوعات علمی که خاصه انسان و محیط زیست وی است، تدریس می‌شود. در بخش زراعت، علاوه بر موضوعات متعلق به زراعت و غذا، اسلوبهای زرع نباتات، امراض و علاج آنها، خاک و انواع آن، کودهای کیمیاوی و غیره اضافه می‌گردد. در بخش صنعت و تولید برای متعلم، مضامین علمی که متعلق به مواد و خواص آنها است، تدریس می‌شود. چنانچه قوانین حرکت میکانیکی و قوانین صحت عامه نیز تعلیم داده می‌شود. کارشناسان و متخصصین در تمام مراحل مکتب، به خصوص در مرحله سوم مضامین ضروری را جهت تدریس تعیین می‌کنند.

## ۱-۶-۹ کامیابی و ناکامی در مکتب‌های دولتی

### ۱-۶-۹-۱ کامیابی و ناکامی در مرحله اول (ابتدائیه):

قانون کامیابی و ناکامی از یک مرحله به مرحله دیگر، متفاوت است. در مرحله نخست لازم است تا روی مضامین اساسی تمرکز شود و متعلم قبل از کامیابی در تمام مضامین اساسی این مرحله، به مرحله بعدی راه پیدا کرده نمی‌تواند. اگر متعلم در یکی از این مضامین

اساسی ناکام شد، تمام دروس این دوره را دوباره از سر خواهد گرفت. چنانچه اگر متعلم درست خوانده نتوانست یا در مضمون ثقافت اسلامی کامیاب نشد و یا توانایی اجرای عملیات حسابی مقرر شده این دوره را نداشت، امکان راهیابی به مرحله بعدی را نخواهد داشت. در صورت ناکامی متعلم در یکی از دوره‌های مرحله نخست، دروس آن در مرحله بعدی تکرار می‌گردد و اجازه رخصتی را به مدت سه دوره متواتر بعد از ناکامی ندارد تا این‌که مرحله نخست (ابتدایی) مکتب تمام شود. پس اگر متعلم قبل از این‌که به مرحله دوم (متوسطه) کامیاب شود، به سن ۱۰ سالگی رسید، به متخصصین تربیتی راجع می‌گردد تا در مورد راهیابی موصوف به مرحله دوم (متوسطه)، نظر بدهند و یاهم به یکی از مکاتب خاص کُند ذهن‌ها انتقال داده شود.

### ۱-۹-۲-۹-۶-۱ کامیابی و ناکامی در مرحله دوم (متوسطه):

درین مرحله، اگر متعلم در یکی از مضامین اساسی ناکام شد، به دوره بعدی راه یافته و آن مضمون را تکرار خوانده و همراه با مضامین دیگر امتحان می‌دهد. برای متعلم در مضمونی که ناکام مانده بخاطر تعلیم و فهم این مضمون وقت کافی داده می‌شود؛ همان‌گونه که برای مکتب وقت کافی داده می‌شود تا کورس‌های اضافی را به منظور تقویت متعلمان در مضامین ناکام شده ایجاد کند.

هنگامی متعلم در یکی از دوره‌ها در دو مضمون اساسی ناکام ماند و یا پی هم در دو مضمون اساسی موفق نشد، ناکام محسوب گردیده و به دوره بعدی راه نخواهد یافت؛ اما زمانی راهیابی به دوره بعدی امکان پذیر است که در همان مضامین کامیاب شود. در صورت ناکامی متعلم، در یکی از دوره‌های مرحله دوم، اعاده آن دوره، در دوره بعدی برایش الزامیست و حق رخصتی را قبل از گزرانیدن دروس سه دوره متوالی بعد از ناکامی اش را ندارد، تا این‌که مکتب متوسطه را به اتمام رساند. پس اگر متعلم قبل از راهیابی به دوره ثانوی، به سن ۱۵ سالگی رسید، به کارشناسان و متخصصین رجعت داده می‌شود تا در مورد وی به ارتقاء به مرحله ثانوی یا انتقالش به مکاتب حرفوی نظر بدهند.

### ۱-۶-۳-۹ کامیابی و ناکامی در مرحله سوم (ثانوی):

هنگامی متعلم در یکی از مضامین اساسی این دوره ناکام شد به مرحله بعدی راه یافته و آن مضمون را با خود به این مرحله برده و همراه با دیگر مضامین این دوره امتحان می‌دهد. هرگاه متعلم در یکی از مضامین اساسی این دوره ناکام شد و یا در دو مضمون پی هم ناکام گردید به دوره بعدی ارتقا نخواهد کرد. اما بعد از اعاده این دوره و کامیابی در تمام مضامین آن دوره همراه با کامیابی در مضامینی که از دوره‌های قبلی با خود آورده است، ارتقا می‌نماید.

در صورت ناکامی متعلم در یکی از دوره‌های مرحله سوم، اعاده آن دوره ضروریست و متعلم حق اجازه رخصتی را به مدت سه دوره متوالی بعد از ناکامی ندارد، تا این که مرحله سوم مکتب به اتمام برسد. پس اگر متعلم قبل از اتمام مرحله سوم مکتب؛ یعنی بدون کامیابی در دوره ۳۶ به سن ۲۰ سالگی رسید، اجازه ماندن در مکتب را نخواهد داشت. پس اگر خواست در امتحانات عمومی مراحل مکتب اشتراک کرده می‌تواند و یا اگر خواهان شمولیت در انستیتوت‌های بود که کامیابی در امتحان سالانه شرط نباشد برایش اجازه داده می‌شود.

### ۱-۶-۱۰ امتحان عمومی (کانکور) مراحل مکتب

در آخر مراحل مکتب و بعد از موفقیت متعلم در ۳۶ دوره تعلیمی از وی امتحان عمومی گرفته می‌شود. امکان این هم برای متعلم وجود دارد تا بدون سپری نمودن امتحان عمومی، این مرحله را موفقانه سپری نماید، چون تعدادی از انستیتوت‌های تولیدی و حرفوی وجود دارد که امتحان عمومی مراحل مکتب را در پذیرش متعلم شرط نمی‌داند. این امتحان دو بار در سال گرفته می‌شود، بار اول در ماه جمادی الاول و بار دوم در ماه شوال. اهل خبره تاریخ اخذ امتحان و تقسیم اوقات آنرا همه ساله به گونه‌ای ترتیب می‌دهند که در زمان ثبت نام برای متعلم اختیار انتخاب داده می‌شود که در ماه جمادی الاول امتحان بدهد یا در ماه شوال. امتحان به طور جداگانه در بخش‌های مختلف مرحله سوم مکتب، اخذ می‌گردد. پس امتحان جداگانه در بخش ثقافت، ساینس، صنعت و... گرفته می‌شود و برای هر بخش تقسیم اوقات خاص وجود دارد.

امتحان، شامل تمام مضامین مراحل سه گانه می‌گردد، ولی تمرکز بیشتر روی مضامینی صورت می‌گیرد که متعلم در دوره‌های ۶ گانه درسی آخر (دوره ۳۱- دوره ۳۶) آموخته است.

### ۱-۴-۱۱ ساعت‌ها و مضامین درسی

هر روز درسی در برگیرنده مجموع از ساعات درسی است که مدت هر ساعت، ۴۰ دقیقه بوده و پنج دقیقه میان هر دو ساعت تفریح می‌باشد. ترتیب ساعات درسی روزانه چنین است:

۱. دو ساعت اول و دوم و بین هرکدام پنج دقیقه تفریح؛

۲. تفریح برای پانزده دقیقه؛

۳. ساعت سوم و چهارم و میان هر دو پنج دقیقه تفریح؛

۴. تفریح برای مدت سی دقیقه؛

۵. دو ساعت پنجم و ششم.

اهل خبره به تقسیم واحدهای درسی هفته‌وار پرداخته و برای هر دوره وقت لازم و کافی

برای تدریس را می‌دهند.

### ۱-۴-۱۲ تقویم درسی

نظام کار و تاریخ در دولت خلافت، همان تاریخ هجری می‌باشد. هر سال هجری

متشکل از ۳۵۴ روز است که سه روز آن برای عید مبارک فطر و هفت روز دیگر آن برای عید

اضحی کم کرده می‌شود که ۳۴۴ روز دیگر باقی می‌ماند.

### جدول دروه‌های چهار گانه درسی

دوره	تاریخ آغاز دوره	تاریخ پایان دوره
دوره اول	اول محرم	۲۵ ربیع الاول
رخصتی	۲۶، ۲۵ و ۲۷ ربیع الاول	
دوره دوم	۲۸ ربیع الاول	۲۲ جمادی الثانی

	۲۳، ۲۲ و ۲۴ جمادی الثانی	رخصتی
۲۰ رمضان	۲۵ جمادی الثانی	دوره سوم
	۲۲، ۲۱، ۲۰ رمضان	رخصتی
۲۷ ذی الحججه	۲۳ رمضان	دوره چهارم
	۲، ۱، ۳ ماه شوال رخصتی عید سعید فطر و از ۸ الی ۱۵ ذی الحججه رخصتی عید سعید اضحی.	رخصتی

دوره اول مکتب در شروع ماه محرم الحرام هر سال هجری قمری آغاز و مدت ۸۳ روز را در بر می گیرد که درین ۸۳ روز، جمعه‌ها و زمان امتحان نهایی این دوره نیز شامل می باشد. متعلمان بعد از سپری نمودن ۸۳ روز دوره اول تعلیمی سه روز رخصتی دارند و سپس دوره دوم آغاز می شود.

دوره چهارم، نسبت به دیگر دوره‌ها به دلیل قرار گرفتن روزهای مبارک ماه رمضان و عیدین در این دوره متمایز است. درین دوره بعضی از معلمان و متعلمان می توانند جهت ادای فریضه حج، عمره و سفر، تمام دوره و یا صرف به منظور ادای فریضه حج در عید سعید اضحی که بالغ به هفت روز می شود رخصت بگیرند.

### ۱-۴-۱۳ انستیتوت‌های حرفه‌های ساده

مهم ترین کار این انستیتوت‌ها آماده سازی وسائل فنی، حرفه و تخصصی؛ مانند: وسائل و ابزار نجاری، آهنگری، خیاطی، آشپزی ... است که عمق علمی نمی خواهد. این انستیتوت‌ها برای محصلانی می باشد که به دلایلی بعد از اتمام دوره ۲۴ (مرحله متوسطه) علاقه به ادامه

تعلیم در مکتب نمی‌داشته باشند. لذا شامل یکی از این انستیتوت‌ها شده و به تعلیم در یکی از این فنون اختصاصی می‌پردازند. کارشناسان این امور، مدت درس، نوع مضامین و مهارت‌های لازم برای پختگی درین حرفه‌ها را تعیین می‌نمایند. محصل درین انستیتوت‌ها بعد از فارغیت « شهادت‌نامه حرفوی» در نجاری، آهنگری، خیاطی و دیگر حرفه‌ها را بدست می‌آورد.



## تحصیلات عالی

تحصیلات عالی: عبارت از تحصیل منظمی است که بعد از تعلیمات مکتب آغاز می‌گردد.

### ۱-۲ اهداف تحصیلات عالی

#### ۱-۱-۲ متمرکز ساختن و عمیق سازی شخصیت اسلامی؛

یکی از اهداف تحصیلات عالی در دولت خلافت، متمرکز ساختن و عمیق سازی شخصیت اسلامی در محصلان است که اساس آن در مرحله تعلیمات مکتب گذاشته شده است، تا آنها بتوانند رهبری امت اسلامی را بدست گرفته و از قضایای سرنوشت‌ساز و خدمت به آن حراست نمایند. قضایای سرنوشت‌ساز در اسلام، به اقداماتی گفته می‌شود که اگر تحقق آن به قیمت مرگ و زندگی هم تمام شود، باید انجام گیرد. چنانچه در عدم تطبیق اسلام من حیث نظام حکم در زندگی، قضیه سرنوشت‌ساز برای مسلمانان، اقامه خلافت و حکم به ما أنزل الله می‌باشد و در صورت وجود دولت خلافت، محافظت از آن و ابقای اسلام به گونه‌ی زنده و تطبیقی در میان امت، حمل دعوت آن به جهان و جلوگیری از اقداماتی است که وحدت امت را تهدید می‌کند. برای تحقق این هدف، تعلیم ثقافت اسلامی برای همه محصلان تحصیلات عالی بدون در نظر داشت تخصص آنها به شکل دوامدار یک امر ضروری می‌باشد. چون تدریس و تعلیم دوامدار ثقافت اسلامی موجب اقدامات مناسب در جهت حفظ قضایای سرنوشت‌ساز می‌شود. بر علاوه، تعمق و تخصص در درسهای ثقافت اسلامی، می‌بایست در فروع و جزئیات آن؛ مثل: فقه، حدیث، تفسیر، اصول و غیره توجه جدی صورت گیرد. چون در میان امت زمینه موجودیت علماء، مجتهدین، رهبران، مفکرین،

قضات، فقه‌ها ... را میسر می‌سازد. چنانچه این امر باعث تطبیق اسلام در میان امت شده، حفاظت و حمل آنرا برای جهانیان از طریق جهاد زنده نگه می‌دارد. در مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«صنغان من النَّاسِ إذا صلحا صلح النَّاسِ و إذا فسدا فسدا النَّاسِ: العلماء و الأمراء»  
(رواه ابونعمیم فی الحلیة)

دو گروه از مردم هستند که اگر صالح باشند، تمام مردم صالح خواهند بود و اگر فاسد شوند همه مردم فاسد شوند: آنها علماء و امراء هستند.

هم‌چنین فرموده است:

«لا تسألونی عن الشرِّ و اسألونی عن الخیر، یقولها ثلاثا، ثم قال: ألا إنَّ شرَّ الشرِّ شرار العلماء و إنَّ خیر الخیر خیار العلماء» (رواه الدارمی فی کتاب المقدمه)

مرا از شر سوال مکنید، از خیر بپرسید. این قول را سه بار تکرار کرد و باز فرمودند: آگاه باشید که بدترین شر، علمای شریر و بهترین خیر، علمای خیر است.

بناءً توجه به تربیت علمای خیر و نیک یک امر ضروری و لازمی پنداشته می‌شود.

## ۲-۱-۲ ایجاد مجموعه‌های توانا در خدمت به مصالح حیاتی امت:

ایجاد مجموعه‌های که توانایی خدمت به مصالح حیاتی امت را داشته و در وضع برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت (پلان ستراتیژیک) نقش متباز و ارزنده‌ی داشته باشند. مصالح حیاتی عبارت از آنست که نبود آن زندگی امت را تهدید کند؛ مانند: ارتش قوی و توانا برای حمایت و دفاع از مصالح امت و قدرت برای آغاز جنگ در مقابل کفار بخاطر حمل رسالت اسلام به آنها. هم‌چنان از مصالح ارزنده و حیاتی امت، فراهم بودن حاجات عضوی؛ مانند: آب، غذا، مسکن، امنیت، توجه به صحت، می‌باشد. لذا از تحصیلات عالی انتظار این می‌رود، تا محققین توانای علمی و عملی را جهت ابتکار وسائل و اسالیب پیشرفته در عرصه‌های زراعت، آبیاری، امنیت و غیره مصالح حیاتی، تربیه نماید که برای امت توانایی

استمرار صاحب شدن زمام امور شان را با وعی سیاسی و خود کفایی، امکان پذیر نماید. زیرا نباید امت مسلمه به بهانه‌ای مصلتی از مصالح شان از دولت‌های کفری متاثر شود که در رابطه الله سبحانه و تعالی به واضح و روشن می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [سوره نساء: ۱۴۱]

الله سبحانه و تعالی هیچگاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.

هم‌چنان توقع دیگر از تحصیلات عالی، ایجاد مجموعه‌های سیاسی و علمی است که توانایی پیشکش تحقیقات و پیشنهاد‌های خاص جهت رعایت مصالح حیاتی امت، به ویژه وضع پلان دراز مدت (ستراتژیک) را به دولت خلافت داشته باشند که این در نفس خود خدمت به مصالح امت است.

## ۱-۲-۲ آماده سازی مجموعه‌ها برای رعایت و تنظیم امور امت:

آماده سازی مجموعه‌های که قضاات و فقه‌ها، طبیبان، انجیران، معلمان، مترجمان، اداره چیان، محاسبان، پرستاران (نرس‌ها) ... را جهت رعایت امور امت تنظیم نماید. همان گونه که دولت، ملزم به تطبیق احکام اسلامی به طور احسن در معاملات و عقوبات می‌باشد، به همین ترتیب ملزم به تأمین آنچه امت در امرار معیشت شان نیاز مندند از جمله راه‌ها، شفاخانه‌ها، مکاتب و غیره نیز است. تدرس و تحقیق در راستای این تخصص‌ها، برای امت فرض کفایی بوده و دولت ملزم است تا آنرا به وجه احسن شرعی آن تحقق بخشد.

## ۲-۲ انواع تحصیلات عالی

تحصیلات عالی دارای دو نوع عمده می‌باشد:

### ۱-۲-۲-۱-۲-۲ تعلیم تلقی:

عبارت از تعلیم منظمی است که محصل از خلال منهج، سخنرانی‌ها و تقسیم اوقات درسی در پوهنخی‌ها و دانشکده‌های مربوطه می‌آموزد. در ختم این تعلیم، برای محصلانی که در بخش‌های حرفوی و اداری تحصیل کرده‌اند، شهادتنامه « اجازة الأولى » داده می‌شود که

معادل دیپلوم امروزی است که برای درجه فوق بکلوریا داده می‌شود؛ اما برای محصلانی که در یک رشته خاص در یکی از پوهنخ‌ی‌ها و دانشکده‌های پوهنتون تحصیل کرده‌اند، شهادتنامه « الإجازة الثانية » داده می‌شود که معادل دیپلوم امروزی بوده که برای درجه لیسانس اعطاء می‌گردد.

### ۲-۲-۲ تعلیم تحقیقی:

آن تعلیماتی است که بعد از مرحله تعلیم تلقی می‌آید و درین نوع تعلیم، تحقیق بیشتر از تلقی است. درین تعلیم، محصل نوآوری را در بحث علمی یاد می‌گیرد، در بخش از بخش‌های ثقافت و یا علوم، تخصص پیدا می‌کند و درین تعلیم به تحقیق‌های دقیق و تخصصی دست می‌یازد تا این‌که به یک نظریه یا اختراع جدید غیر از اختراعات گذشته دست یابد. این نوع تعلیم، محصل را مستحق اخذ شهادتنامه « اجازة العالمية الأولى » می‌نماید که امروز آنرا گواهینامه یا دیپلوم «ماستری» یاد می‌کنند. ادامه تحصیلات بعد از این، در مبحثی از مباحث ثقافت یا علوم، محصل را برای حصول « اجازة العالمية الثانية » یا همان گواهینامه یا دیپلوم که امروز بنام «دکتورا» یاد می‌شود، مستحق می‌سازد.

### ۳-۲ موسسات تحصیلات عالی

بخاطر تحقق اهداف تحصیلات عالی، دولت به ایجاد موسساتی اقدام می‌کند. این موسسات عبارت‌اند از:

۱. انستیتوت‌ها یا آموزشگاه‌های حرفوی و یا تخنیک‌ی.
۲. انستیتوت‌های وظیفوی.
۳. پوهنتون و دانشگاه‌ها.
۴. مراکز تحقیق و پیشرفت.
۵. موسسات نظامی.

## ۲-۳-۱- انستیتوت‌های حرفوی:

مهم‌ترین کار این انستیتوت‌ها، آماده سازی مجموعه‌های هنری متخصص به صنایع و ابزارهای عصر جدید می‌باشد؛ مانند: ترمیم دستگاه برقی، چون: مخبرات، کمپیوتر و امثال آن از جمله شغل‌های است که تعلیم در این رشته‌ها به معارف و علوم عمیق‌تر نسبت به حرفه‌های ساده نیاز است. شرط شمولیت درین انستیتوت‌ها برای محصلان علاقه‌مند، سپری نمودن مراحل سه گانه مکتب می‌باشد، برابر است که از امتحان عمومی مراحل سه گانه گذر نموده باشد یا خیر. اهل خبره مدت دوره‌های درسی و مدت لازم هر شغل درین انستیتوت‌ها را تعیین می‌کنند. هم‌چنان تعداد مضامینی صنعتی را که محصلان در صورت اتمام مرحله سوم مکتب، از آن معاف می‌شوند نیز تعیین می‌نمایند. محصل با فراغت از این انستیتوت‌ها، به اخذ گواهینامه یا دیپلوم در همان بخشی که در آن تعلیم دیده، بدست می‌آورد. یکی از این انستیتوت‌ها، انستیتوت زراعت می‌باشد که در هماهنگی با اداره تعلیم دولتی تنظیم می‌گردد. هدف از این انستیتوت ایجاد تخصص در کارهای زراعتی است که ضرورت به دروس دانشگاهی ندارد. این انستیتوت‌ها اشخاص فنی را در راستای زراعت عملی، آماده می‌سازند، مانند فن آبرسانی و تنظیم کشت حبوبات و درختان، غرس، قلمه زدن، آبیاری نمودن آنها و غیره. هم‌چنان تربیه حیوانات، مانند چهارپایان و پرندگان و تولید محصولات نباتی و حیوانی را هم در بر می‌گیرد. اهل خبره، مضامین اساسی و مضامین را که محصل فارغ شده از مکاتب مرحله سوم بخش زراعت، از درس آن معاف می‌شوند، مشخص می‌نمایند.

## ۲-۳-۲- انستیتوت‌های وظیفوی:

کار این انستیتوت‌ها ظرفیت سازی برای اجرای بعضی از وظایفی است که انجام آن، محصل را مجبور به شمولیت در دانشگاه و پوهنتون نمی‌کند. شرط شمولیت درین انستیتوت‌ها، حد اقل سپری نمودن امتحان عمومی از مراحل مکتب می‌باشد. اهل خبره شروط شمولیت محصل را در هر بخش این انستیتوت‌ها تعیین می‌کنند، همان گونه که مضامین درسی هر بخش و مدت زمان لازم را که محصل درین بخش‌ها شایستگی کار پیدا می‌کند، مشخص می‌نمایند. در فرجام محصل گواهینامه «الإجازة الاولى» یا سند دیپلوم را در بخش مربوطه

بدست می آورد. از جمله این انستیتوت‌ها، انستیتوت تربیه پرستاران و وظایف کمک‌های طبی مانند: اکسری (عکس برداران برقی)، لابرات‌ها و دندان سازان است. هم‌چنان انستیتوت‌های مالی و اداری، برای اداره شرکت‌های کوچک و انجام کارهای محاسبوی که نیازی به شمولیت در پوهنتون و دانشگاه ندارد، مانند اداره دفاتر، صندوق‌های مالی و حسابات زکات، نیز وجود دارد. به همین ترتیب ایجاد انستیتوت‌های تربیه معلمین ورزیده برای مکاتب مختلف و دوره‌های خاصی دیگری برای کسانی که فارغ دانشگاه‌ها و پوهنتون‌ها بوده و علاقه‌مندی در راستای تدریس دارند. در ولایات مختلف، دولت بنا به ضرورت این انستیتوت‌ها را ایجاد می‌کند؛ مثلاً: در ولایات بحری، انستیتوت‌های حرفه‌های بحری، مانند: شکار ماهی، ترمیم کشتی، اداره بنادر و در ولایات که به زراعت مشهور اند، انستیتوت‌های زراعت ایجاد می‌گردد.

### ۳-۳-۲ پوهنتون‌ها و دانشگاه‌ها:

برای محصلی که امتحان عمومی مراحل مکتب را موفقانه سپری نموده باشد، اجازه پیشرفت و شمولیت در پوهنتون‌ها و دانشگاه‌های دولتی داده می‌شود. دانشگاه‌ها در سال دو بار امتحان شمولیت را از محصلان اخذ می‌دارد. جهت پذیرش محصل در یکی از پوهنتون‌ها به شرایط ذیل مرتبط است:

۱. درجه فهم محصل در امتحان عمومی مراحل مکتب.
۲. نوعیت بخشی که محصل در مرحله سوم مکتب، در آن تخصص پیدا کرده است، برابر است فرهنگی باشد، یا علمی، و یا هم تجارتي.
۳. درجه محصل در مضامین معین امتحان عمومی، به بخشی که می‌خواهد تخصصش را در آن بگیرد، مربوط می‌شود. پس برای محصل دانشکده یا پوهنحی فقه و علوم شرعی لازم است تا در مضامین ثقافت اسلامی و مضامین زبان عربی نمرات عالی را بدست آورده باشد و محصل بخش انجنیری، باید در مباحث ریاضیات و فزیک نمرات خوب و عالی داشته باشد و به همین ترتیب محصل علوم طبی، در مباحث علوم کیمیا و بیولوژی مهارت داشته باشد. اهل خبره مضامین متعلق به هر بخش تخصصی پوهنتون و درجه و نمره هرکدام را تعیین می‌کنند.

## ۲-۳-۴ دانشکده‌ها و پوهنخ‌های پوهنتون‌ها و دانشگاه‌ها:

- پوهنخ‌ی ثقافت و علوم اسلامی؛ چون: تفسیر، فقه، اجتهاد، قضاء، و علوم شرعی.
- دانشکده زبان و علوم عربی.
- دانشکده علوم انجیری؛ مانند: مهندسی شهر سازی، ماشین آلات، برق، الکترونیک، انجیری مخابرات، هندسه فضایی و مهندسی کمپیوتر و غیره.
- پوهنخ‌ی علوم کمپیوتر؛ مانند: سافت ویر و پروگرامینگ، تنظیم معلومات و انجیری برنامه.
- دانشکده ساینس؛ مانند: ریاضیات، کیمیا، فزیک، کمپیوتر، نجوم، جغرافیه، جیولوژی و غیره.
- پوهنخ‌ی و دانشکده علوم طبی؛ مانند: طب، پرستاری، تجزیه و تحلیل طبی، طب دندان و فارمسی.
- دانشکده علوم زراعت؛ مانند: علوم زراعت نباتی، علوم حیوانی، تربیه چهارپایان، مرغداری، نگهداری غذا و امراض زراعتی و حیوانی.
- پوهنخ‌ی علوم مالی و اداری؛ مانند: محاسبه، علوم اقتصادی و تجارت.
- و هم‌چنان پوهنخ‌ی‌ها و دانشکده‌ها و دیپارتمنت‌های دیگری نیز حسب ضرورت ایجاد می‌گردد.

## ۲-۴ مراکز پژوهشی و تحقیقاتی

مهم‌ترین کار این مراکز، تحقیقات تخصصی و دقیق در عرصه‌های مختلف فرهنگی و علمی می‌باشد. در مجالات فرهنگی تلاش برای رسیدن به افکار عمیق صورت می‌گیرد، برابر است در راستای وضع برنامه دراز مدت (ستراتژیک) باشد و یا در اسلوب حمل دعوت از طریق سفارت‌ها و یا مذاکره‌ها و یا در فقه و اجتهاد و علوم زبان و غیره. در راستای علمی و ساینسی، برای اختراع وسائل و اسالیب جدید در عرصه‌های تطبیقی نیز کار می‌کند؛ مانند: تولیدات و دانش اتمی، و فضایی و غیره چیزهای که نیازمند عمق و تخصص در تحقیقات است. بعضی از این مراکز، پیرو دانشگاه‌ها و پوهنتون‌ها و بعضی مستقلانه عمل نموده و از

اداره تعلیمی مستقیم تبعیت می‌کنند. درین مراکز، دانشمندان و استادان پوهنتون‌ها و تعدادی از محصلانی که حین تحصیل در دانشگاه توانایی تحقیق، اختراع و پیشرفت را در خود ظاهر می‌کنند، مصروف کار می‌باشند.

## ۵-۲ مراکز و انستیتوت‌های تحقیقات نظامی

وظیفه‌ی این مراکز، آماده سازی و تربیه رهبران نظامی و عصری سازی و ابتکار وسائل و اسالیب حربی، بخاطر ترسانیدن دشمنان الله و مسلمانان می‌باشد. این مراکز و انستیتوت‌ها از امیر جهاد پیروی می‌کنند.

## ۶-۲ اسناد و گواهینامه‌های تحصیلات عالی

۱. گواهینامه‌های حرفوی در بخش‌های مخابرات، کمپیوتر و غیره که به نام «اجازة الأولى» یا دیپلوم مخابرات، کمپیوتر و.. یاد می‌شود، بعد از ختم تحصیلات عالی درین انستیتوت‌ها، برای محصل داده می‌شود.
۲. گواهینامه‌های وظیفوی در بخش‌های تعلیم، نرسنگ یا پرستاری و غیره که به نام «اجازة الأولى» یا دیپلوم یاد می‌شود، بعد از ختم تحصیلات عالی درین انستیتوت‌ها، برای محصل داده می‌شود.
۳. گواهینامه تحصیلات عالی در نوع تعلیم تَلَقِّي در یکی از دانشکده‌های دانشگاه که بنام «الإجازة الثانية» یاد می‌شود، و معادل درجه لیسانس می‌باشد، بعد از ختم تحصیلات برای محصل اعطاء می‌گردد.
۴. بعد از پایان دوره تحصیلات عالی تحقیقی گواهینامه بنام «الإجازة العالمية الأولى» که معادل درجه ماستری می‌باشد، برای محصل داده می‌شود.
۵. بعد از ختم مرحله دوم تحصیلات عالی تحقیقی، گواهینامه که بنام «الإجازة العالمية الثانية» یاد می‌شود، و معادل درجه دکتورا می‌باشد، برای محصل داده می‌شود.

\*\*\*

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين



## اصطلاحات اساسی این کتاب

- ۱- ثقافت؛ عبارت از عقیده، احکام و راه حل مشکلات انسانی است که توسط نظام آن تطبیق می‌شود.
- ۲- منهج؛ اساس و مبادی قرار دادن یک فکر را بر همه افکار و مسائل فرعی در قضایای مختلف. به گونه‌ی نمونه، اساس همه افکار و مفاهیم در اسلام برای حل مشکلات، شریعت رسول الله صلی الله علیه وسلم است، نه دموکراسی.
- ۳- معارف؛ شناخت دقیق طریقه حل مشکلات انسانی مطابق به مبدا و ایدیولوژی خاص؛ مثلاً برای حل مشکل اقتصادی در اسلام، شناخت و فهم دقیق از قرآن، سنت، اجماع و قیاس ضروری است.

## مجموعه از کتاب‌هایی که تاکنون "حزب التحریر" به دست نشر سپرده است!

### کتاب حزبی:

- منہج حزب التحریر
- معرفى حزب التحریر
- تکتل حزب التحریر
- مفاهیم حزب التحریر
- نظام اسلام
- شخصیت اسلامی (جلد اول)
- مسوده دستور (قانون اساسی) دولت خلافت
- مسوده دستور (قانون اساسی) دولت خلافت
- مشرح (جلد اول)
- نظام مالی دولت خلافت (اموال در دولت خلافت)
- نظام اقتصادی دولت خلافت
- نظام حکومت داری دولت خلافت
- مبادی نظام تعلیمی و تحصیلی دولت خلافت
- دولت اسلامی
- مفاهیم سیاسی
- نظریات سیاسی حزب التحریر
- ساختار دولت خلافت
- قضایای سیاسی
- نفسیه اسلامی
- سایر کتاب‌هایی که شباب "حزب التحریر" نوشته اند:
- برخورد فرهنگ‌ها
- ظهورِ نظم نوین جهانی
- نظام دفاعی و جنگی دولت خلافت
- مبادی سیاست صنعتی دولت خلافت
- مسوولیت حاکم و امت در دولت خلافت
- سیاست خارجی دولت خلافت
- نظام عقوبات دولت خلافت
- بحران اقتصادی و راه حل آن
- نظام پولی
- دیدگاه استراتژیک پیرامون رویدادهای احتمالی ۲۰۱۷
- بحران هستوی و راه حل آن
- بحران محیط زیستی (پدیده تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین) و راه حل آن
- بحران آزادی و راه حل آن
- بحران تفکیر ساینسی و خلافت
- بحران هجرت و پناهندگی و راه حل آن
- احکام شرعی؛ شبیه سازی، پیوند اعضا، - سقط جنین و تلقیح مصنوعی

- تفکیر
- سرعت البدیبه
- خرافت
- فکرم اسلامی
- برگشت خرافت
- طلب نصرت
- استبداد خرافت
- افکار سیاسی
- پاسخ خرافت
- ۱۰۰ پرسش در مورد خرافت
- خرافت چگونه نابود شد
- رد بر تمامی اتهامات علیه حزب
- احکام بینات
- مفاهیم خطرناک، بحران و راه حل آن
- بحران بازارهای مالی
- حمله امریکایی

### نوشته‌های تاریخی پیرامون صفحات

#### درخشانِ امت اسلامی:

- دولت خرافت
- معرفی امراء ثلاثهٔ حزب التحریر
- امت و خرافت در صفحات تاریخ؛ ۱۷۹۵-
- پیمان امت
- امریکا به ولایت الجزایر دولت خرافت جزیه پرداخت.
- واجب امت
- امت و خرافت در صفحات تاریخ؛ ۱۹۱۶-
- سعی امت
- دولت خرافت بریتانیای کبیر را شکست داد.
- نهضت امت
- امت و خرافت در صفحات تاریخ؛ ۱۸۵۷-
- ندای امت
- نخستین حرکت بیدارگری (نهضت) در میان امت.
- جمهوریت و خرافت
- دموکراسی نظام کفر است
- کلام چندی درم ورد فضایل مردم سوریه (اهل شام)
- انتقال از بهار عربی به بهار اسلامی
- تصورات جیوپولیتیک
- نقش زنان در حمل دعوت به سوی خرافت
- چگونه تنظیم زندگی فامیلی

اومت پروفوڈکشن

Ummat Production